مسودات تعلیقه هدایة المسترشد

بخط شریف حضرت حاج آقا محمد کلباسی

مشروح شرح احوال آنجناب مفصلاً

در کتاب روضات الجنات مرقوم است

در ورق اول از اوائل کتاب الطهارت

مسودات تعلیقه هدایة المسترشد
بخط شریف حضرت حاج آقا محمد کلباسی
مشروح شرح احوال آنجناب مفصلاً
در کتاب روضات الجنات مرقوم است

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

این مختصر [illegible] نه بحث مطالب شریفه ایست که مندرج شده است و در این اجزاء مخصوصه بدانکه این اجزاء مشتمل است احکام وارده در
خصوص روز جمعه و شب آن چه به عنوان خصوص و چه به عنوان عموم و علاوه در آنها ذکر میشود و در ضمن یک مقدمه و دو مطلب یک خاتمه
در فضایل و وقایع روز جمعه و شب آنست و در بیان اینست که روز جمعه از جمله ایام که [illegible] در بیان اینست که چرا جمعه را جمعه نامیدند
اول در احکام خاصه روز جمعه و شب آنست و علاوه در آنها ذکر میشود در ضمن چند بحث بحث اول در بیان [illegible] است که واجب شده
در آیات و روایات مخصوص [illegible] و علاوه در آن ذکر میشود در ضمن چند فصل فصل اول در بیان [illegible] است [illegible] اعصار و در [illegible]
[illegible] با [illegible] و [illegible] طهارت و [illegible] جامع الشرایط باشد [illegible]
شده است [illegible] متحقق شده [illegible] نماز جمعه [illegible]
اعصار فصل دوم در بیان کیفیت آنست و بیان [illegible] نماز واجب [illegible] است [illegible] در بیان [illegible]
و صحیح شدن این نماز [illegible] واجب شده است [illegible] فصل چهارم در بیان [illegible] که [illegible] است
[illegible] بحث دوم در بیان [illegible] که ثابت شده است [illegible]
اول غسل کردن است دوم [illegible] سوم [illegible] چهارم [illegible] هفتم
[illegible] شده است [illegible] هشتم [illegible]
است [illegible] شده است [illegible] استعمال کردن [illegible] است [illegible] جمعه و در
سایر ایام [illegible] و در این مقام [illegible] اشاره شده است [illegible] و در این مقام اشاره شده است [illegible]
[illegible] و استعمال کردن [illegible] است و [illegible] شده
باستحباب [illegible] سبب [illegible] است [illegible] نازل [illegible] یازدهم
[illegible] نماز جمعه [illegible] دوازدهم [illegible]
است [illegible] سوره [illegible] و صلوات [illegible] والا خیار صلوة الله وسلامه علیهم
اجمعین [illegible] که [illegible] سوره اخلاص صد مرتبه [illegible] است که [illegible] نماز صبح [illegible] صد مرتبه
استغفار [illegible] است [illegible] بعد از نماز صبح [illegible] صلوات اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم [illegible]
است که خوانده شود بعد از نماز جمعه سوره توحید هفت مرتبه [illegible] است که خوانده شود سوره [illegible] صد مرتبه [illegible] است
که خوانده شود بعد از نماز عصر [illegible] صلوات که اللهم صل علی محمد [illegible] الائمة [illegible] المرضیین [illegible]
است که [illegible] شود صلوات [illegible] والا خیار علیهم السلام [illegible] بعد از ظهر و عصر [illegible] است که خوانده
شود بعد از نماز [illegible] صد مرتبه سوره توحید [illegible] صد مرتبه صلوات [illegible] والا خیار [illegible] و گفته شود بعد از [illegible]
[illegible] اللهم اکفنی بحلالک عن حرامک واغننی بفضلک عمن سواک [illegible] است که [illegible] و [illegible] کرده شود

[illegible]



[illegible]



[illegible]



[illegible]



بسم الله الرحمن الرحیم

باب ششم در بیان نمازهای واجبی است و در آن چند منهج است منهج اول

در نماز جمعه است و در آن یک مقدمه و چند مطلب است مطلب اول در بیان فضایل روز جمعه
است بدانکه فضایل روز جمعه و شب جمعه بیشتر از آن است که بیان کرده شود و هر یک از آنها که
وارد شده است بهم عموم با خصوص در فضایل و مدایح این روز ذکر میشود بعضی از آنها
شود از برای شیعیان علی بن ابی طالب ع بدانکه در حدیث است از آنجناب علیه السلام که فرمودند
نیست روزی از این روزها که در میکند بر این ادم مگر آنکه میگوید از برای ایشان بدرستیکه
من روز تازه هستم که امدم من در قیامت از برای نیک و بد شماها شاهد خواهم بود پس بکنید ای
خلق خدا در من خیر و نیکی و عمل خیر و نیک که شهادت خواهم داد از برای شماها بان نیکیها در روز
قیامت پس بدرستیکه شماها دیگر نخواهید دید مرا ابدا و در حدیث معتبر وارد شده است
از حضرت باقر ع که فرمودند طلوع نکرد افتاب در روزی افضل از روز جمعه و در حدیث دیگر
وارد شده است که طلوع نکرد افتاب در روزی افضل از روز جمعه بدرستیکه سخن مرغان
در ان روز هرگاه ملاقات کنند بعضی بعضی را اینست که سلام بر شما باد سلام روز نیکو خوبست روز
روایت شده که سؤال کردند از حضرت باقر علیه السلام از روز جمعه و شب جمعه پس فرمودند که شب آن
شب مبارک است که روز آن افضل ایام است و هیچ روزی نیست که غروب کند در آن افتاب
که بیشتر باشد از جهت بخشیده شدن از اتش جهنم از روز جمعه و هر کسیکه بمیرد در روز جمعه در حالتیکه عارف باشد
بحق اهل بیت ع است پس نوشته شود از برای او برات از اتش جهنم و برات از عذاب قبر و کسیکه
بمیرد در شب جمعه ازاد کرده شده است از اتش جهنم و در روایت دیگر است از حضرت ابی الحسن
ع که هر کسیکه بمیرد در شب جمعه مینویسد خداوند عالم از برای او بیزاری از فشار قبر
و هر کسیکه بمیرد در روز جمعه مینویسد خداوند عالم از برای او برات از اتش جهنم و در
حدیث دیگر است از حضرت امام رضا ع که فرمودند که گفت رسول خدا ص بدرستیکه روز جمعه

سید

سید روزها است مضاعف میکند خداوند عالم در ان ثواب اعمال صالحه را و برطرف میکند در ان گناهان
را و بلند میکند در ان درجات و مراتب مؤمنان را و مستجاب میکند در ان دعاها را و کشف
میکند در ان اندوههای بزرگ را و بر میاورد در ان حاجتهای بزرگ را و هر کدام از بندگان
را روز جمعه زیاد کرده است از برای خداوند عالم است در ان روز آزاد کردگان و رستگان
شدگان از اتش جهنم باین معنی که از بعضی نامها راضی میشود بالکلیه و برای بعضی
کن شستی بالمره از عذاب ایشان میگذرد و رعایت میکند کسی از ایشان ... حق ...
از آنکه انکه خواهد بود حق بخدا اینکه یکی از ... اند ... شده و ...
اتش جهنم پس اگر بمیرد انکس در روز جمعه یا شب جمعه خواهد بود شهید و مبعوث خواهد شد
ایمن از ... نکرده است حرمت روز جمعه و ضایع نکرده است حق انرا مگر اینکه ... انکه
هست حق بخداوند عالم اینکه برساند او را باتش جهنم مگر اینکه توبه کند و در حدیث دیگر
از حضرت امام جعفر صادق ع که هر کسیکه اراده دارد اینکه عمل بکند چیزی از خیر تا اینکه
کردن روز جمعه ... مستحب است بجهت باشد این اعمال در روز جمعه ... اینکه عمل بد
روز جمعه مضاعف میشود و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق ع که هر کسیکه ...
دارد اینکه عمل بکند محمد باقر ع که هر حسنه هر سیئه که کرده میشود در روز جمعه مضاعف میشود
ابا در حدیث دیگر است از پیغمبر خدا ص که بر پا خواهد شد قیامت در روز جمعه در میان
عصر و در روایت دیگر است از حضرت صادق ع که فرمودند بدرستیکه از برای جمعه حقی
و حرمتی است پس بپرهیز از اینکه تضییع نمائی یا تقصیر کنی در چیزی از عبادت خدا ... عالم ...
و بیش ... عمل صالح است و ترک کردن محرمات بدرستیکه خداوند عالم مضاعف میکند
در ان نیکیها را و محو میکند در ان بدیهای گذشته را و بلند میکند در ان درجات و مراتب
مؤمنان را و در حدیث صحیح وارد شده است که جناب امیر المؤمنین ع اختیار فرموده از هر چیز بهتر
را اختیار فرمود ... از روزها جمعه ... از شبها شب قدر را اختیار کرده ...

در غاز جمعه

بر جمیع انبیاء و اختیار کرد از من علی بن ابی طالب را تفضیل داد او را خداوند عالم بر جمیع اوصیا و در روایت دیگر
شده است از پیغمبر خدا ص که فرمودند اینکه شب جمعه بیست و چهار ساعت است از برای خداوند عالم
در هر ساعتی ششصد هزار ازاد کرده شده از اتش جهنم و در حدیث دیگر است از امام محمد باقر ع
که فرمودند که هرگاه روز جمعه شود نازل میشوند ملائکه که عدد انها بعدد ذره است با ایشان است صحیفه‌های از نقره
و قلمهای از طلا پس مینشینند بر درهای مسجد بر سندهائیکه از نور است پس مینویسند مردمانیکه
میایند بمراتب ایشان در سبقت کردن بمسجد هر یک را با اسمش تا وقتیکه امام بیرون بیاید
از نماز در تمام ... باانکه بیرون برود از مسجد پس در وقتیکه بیرون رفت امام از مسجد
باز تا نماز بپیچند صحیفه‌های خود را و نزد نمیاید در روزی از روزها مگر روز جمعه و در روزهای
دیگر ملائکه بیکنزد میایند بر درهای مسجدها و مراتب و سبقتهای مردمان را می نویسند و در حدیث
دیگر است که بنده هر اینه سؤال میکند از خداوند عالم حاجتی پس تاخیر میاندازد خداوند عالم
حاجت او را تا روز جمعه و در حدیث دیگر است که در روز جمعه ساعت مبارکی است
که سؤال نمیکند خداوند عالم را بنده مؤمنی در ان ساعت مگر انکه عطا میکند خداوند عالم او را
حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق ع که فرمودند ساعتیکه مستجاب میشود در ان دعا
روز جمعه دو ساعت است اول ساعت ما بین فارغ شدن پیش نماز است از خطبه تا انکه راست شوند
مردمان در صفها باین معنی که ... ساعت دویم ساعت اخر روز است تا زرد شدن افتاب
و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق ع که ... ساعتی که در روز جمعه است ... میکند
مؤمنی در ان ساعت مگر انکه مستجاب شده است از برای او کدام است فرمودند ان ساعت وقتی است
که بر میاید پیش نماز از خطبه ... میشود ... میگیرد کیست بدرستیکه پیش نماز ... بلند
میکند ملائکه ... ساعتی ... میشود که پیش از زوال ... باید ... بعد از زوال ...
و ... وقتی است که زوال افتاب شده باشد و در حدیث دیگر است از محمد بن اسمعیل بزیع
از بعضی که ... است ... حضرت امام رضا ع که رسیده است بمن از ائمه ع اینکه روز جمعه که ...

در غاز جمعه

روزها است از جناب فرمودند ... عرض کرد باو ... چگونه است
این انجناب فرمودند بدرستیکه خداوند عالم تبارک و تعالی جمع میکند ارواح مشرکان را در
وادی برهوت پس چون روز گند افتاب در حوالی نصف النهار عذاب میکند خدا
وند عالم ارواح مشرکان را بسبب ... افتاب در ساعتی پس چون که روز جمعه شود
نباشد از برای افتاب ... یعنی در این روز بر میدارد از ایشان عذاب
برای فضیلت روز جمعه پس مانند اینست که نباشد از برای افتاب ... کردن
روز جمعه و در حدیث دیگر است از حضرت امام محمد باقر ع که شخصی عرض کرد خدمت
ایشان که چرا جمعه را جمعه مینامند فرمودند بعلت اینکه خداوند عز و جل جمع کرده
در ان روز جمیع مخلوقات خود را برای ... ولایت محمد ص و اهل بیت او و مقصود ... ولایت
وصی است تا انقراض دنیا پس نامید خداوند عالم انروز را روز جمعه بجهة جمع کردن
در ان روز مخلوقات را ... از جمیع این اخبار معلوم شد که فضیلت روز جمعه بسیار است ...
... که ... طالب ... در این اعمال ... باشد ... و مثل ...
... چنانکه ظاهر میشود از اخبار وارده در ان ... اشاده
بعضی از ... ان مثل ... روایت کرده است کلینی مرحوم در کتاب کافی از حضرت
امام جعفر صادق ع که فرمودند بدرستیکه روز جمعه ... اصحاب حسنات ...
پس ... اگر ... باشی ... اینکه ... روز جمعه ... بدرستیکه ...
... ما ... مینویسد ... در شب جمعه ... اسمان ... مضاعف میکند در ان حسنات
و محو میکند در ان سیئات را ... بدرستیکه ... کریم است و در روایت دیگر
است ... از امام جعفر صادق ع اینکه فرموده است که
خداوند عالم تبارک و تعالی ... نازل میکند ... در هر شب جمعه از اول
شب تا اخر ... این ... که ایا بنده مؤمنی هست که بخواند مرا از برای امر اخرت و دنیا

خود یعنی از طلوع فجر پس اجابت بکنم من او را آیا بنده مؤمنی هست که توبه و بازگشت کند
پس من از گناهان خود یعنی از طلوع فجر پس قبول بکنم من توبه او را آیا بنده مؤمنی هست که
تنگ کرده باشم بر او روزی او را سؤال بکند از من زیادتی روزی پس زیاده بکنم من روزی
او را توسعت عطا بکنم بر او آیا بنده مؤمنی هست که بیمار باشد که سؤال بکند از من اینکه شفا
بدهم او را یعنی از طلوع فجر پس عافیت بدهم او را آیا بنده مؤمنی هست که محبوس و مغموم باشد
سؤال بکند از من اینکه رها کنم او را از حبس پس خلاص بکنم او را و خالی نمایم راه او را از مانع
رفتن او آیا بنده مؤمنی هست که بوده باشد مظلوم سؤال کند مرا اینکه اخذ بکنم از برای او حق
او را یعنی از طلوع فجر پس انتقام بکشم از برای او و اخذ بکنم حق او را از برای او و فرمود که
پس همیشه آن ملک ندا میکند به این نداها تا وقتیکه طلوع بکند فجر و روایت کرده است نیز در
حدیث دیگر که خدا [illegible] نازل میکند ملکی را بسوی آسمان دنیا در هر شب در ثلث آخر و در
جمعه در اول آن پس امر میکند او را [illegible] پس ندا میکند اینک که آیا هست سؤال کننده
پس عطا بکنم او را آیا هست توبه کننده پس توبه قبول بکنم آیا هست طلب کننده آمرزش پس بیامرزم
او را ای بنده طلب کننده خیر [illegible] ای بنده طلب کننده شر کوتاه کن [illegible]
خود را پس دائما ندا میکند آن ملک به این نداها تا اینکه طلوع بکند صبح پس در وقتیکه طلوع کرد صبح
بر میگردد به سوی منزل خود از ملکوت آسمان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

پس از جمع

بر نماز بامداد و اگر از قبیل کفار و منافقین است پس واجب است بر ایشان اصل نماز چونکه شرط صحت تکلیف
وجود ایمان نیست هم چنانکه شرط صحت تکلیف بالغ وجود طهارت نیست پس هم چنانکه صحیح
است تکلیف نماز چه طهارت موجود باشد چه نباشد هم چنین صحیح است تکلیف کردن شخص
را به نماز چه ایمان در آن موجود باشد چه نشده باشد و لکن از هیچیک صحیح نیست این
نماز [illegible] و متحقق هم نمیشود [illegible] معلوم [illegible] و اگر از قبیل
[illegible] که [illegible] از حاضر شدن با مسلمین [illegible]
[illegible] صحیح است [illegible] این نماز بلکه واجب است [illegible]
[illegible] اگر از قبیل [illegible]
باشد پس باز [illegible] است [illegible]
باشد پس از این نماز [illegible] این اخبار معتبره [illegible] معلوم شد که در زمان حضور
[illegible] است از جمیع [illegible] عاقل [illegible]
[illegible] مطالب [illegible] درجات است [illegible]
[illegible] علی الاطلاق [illegible]
[illegible] سؤال [illegible] شفیع [illegible]
و اکمل رسل محمد بن عبد الله و عترت اطهار او [illegible] صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مطلب اول [illegible]
[illegible]

در اول [illegible] کلام [illegible]
۳ [illegible] فصل اول در بیان اصل حکم این نماز است بدانکه خلاف نیست در اینکه این
نماز در زمان حضور امام علیه السلام واجب عینی بوده است بر تمام خلق و لکن محل خلاف است که در
[illegible] امام [illegible] این نماز [illegible] از ایشان از اخص [illegible] که بجا بیاورد
یا اذن داده [illegible] و جمیع [illegible] از جمله [illegible] این نماز [illegible]
باشد [illegible] واجب شده است [illegible] این نماز از جمله [illegible]
[illegible] امام [illegible]
[illegible] و آنچه معروف در میان [illegible] علمای اسلام [illegible]
[illegible] است [illegible] اجماعات [illegible]
[illegible] مطلب [illegible] است [illegible] شرط [illegible]
[illegible] عصر [illegible] غیبت [illegible] باشد [illegible]
شد که در زمان حضور واجب عینی بوده است [illegible]
است [illegible] عصر غیبت که این عصر [illegible] باشد محل خلاف است که این نماز [illegible]
است [illegible] واجب است [illegible] محل خلاف است که وجوب [illegible] عینی است [illegible]
[illegible] بلکه وجوب [illegible] تخییری است [illegible] هم محل خلاف است که [illegible]
[illegible] جامع الشرایط هست [illegible] هر کس که متصف بوصف امام جماعت شد [illegible]
[illegible] بعضی قائل [illegible] شده اند [illegible]
که این نماز [illegible] امام زمان [illegible] ظاهر نیست [illegible] میان خلق
[illegible] است که [illegible] و بعضی دیگر قائل شده اند باینکه این زمان [illegible]
[illegible] واجب [illegible] معصیت کرده اند
و بعضی دیگر قائل شده اند باینکه حکم آن وجوب تخییری است نه عینی [illegible]

در بیان نماز جمعه

ظهر بعد جمعه بجا آورد در این زمان جمعه و ظهر هر کدام را که بخواهد بکند میتواند اکتفا بکند
ولکن افضل اختیار کردن اول است معلوم باشد که این زمان صحیح است بلا شبهه بنا بر آنکه ظهر ضعیف است
در این ضعف هرگاه باشد چنین قول و این قول تخییر مشهور در میان علماء اعلام است اما
خالی از مجال نیست چون در روایات متعدده که وارد شده است در مقام که دلالت بر وجوب
آن میکند در این اعصار و بعضی از آنها هم صحیح است و موید است که اینها بخصوصه از اعظم مجالات
در میان طایفه که مشهور تا مرد در مسئله باشد پس معنی است عمل کردن بان در مقاله
مخصوص قول اول ضعیف است و در نهایت ضعف و کفایت میکند در مقام قول دوم اجماع
منقول که ثابت شده است در بین مطابق قواعد با ترتیب بان که هر یک نا قابل به منزله حدیث صحیح
میباشد بلکه سهل است اقوای از آن میباشد پس هرگاه در بین چنین اجماعاتی نقل شده باشد
که بعضی از بزرگان دین نقل کرده اند کرده و اجماع زیاده از چهل میباشد که بجایی
نا شد از چهل حدیث صحیح میباشد چه طور میشود که شخص قائل باشد پس بطلان آن
من الشمس شد و اجماع منقول که نقل شده است در شرط بودن وجود امام یا اذن در ادعا
مط هر چند در این اعصار باشد معارضه نمیکند با آنچه گذشت از اخبار و ادله
با آنچه گذشت از جهات و غیر اینها پس معنی شد که حکم آن وجوب باشد در این اعصار و جوب
تخییری هم باشد نه غیر آن ولکن مع ذلک هرگاه شخص هر دو را بجا بیاورد به قصد قربت
مقدم بدارد به نظر موافق قاعده احتیاط خواهد بود و نیت چنین چیزی ثابت در دین و
تشریع در دین چنانکه مانع است بر هر کسی که مشروع نباشد پس عومات و ادله
احتیاط شامل مقام هست بدون ریب و اشکال و خیت مانع آن برای آن بجا آوردن
و این خیالی است فاسد و مفادیع از آنچه تحقیق شد ثابت در محل خود پس معنی شد
بالیت بجب فتوی بنا بر وجوب تخییری بوده باشد و بجب احتیاط بنا بر جمع کردن میان
هر دو با تقدیم جمعه بر ظهر و در قول دیگر شاذ و ضعیف است و مخالف اجماعات منقوله

مقتضی شرعیت نماز جمعه بلکه منقوله میباشند پس معنی شد طرح کردن هر یک از ...
در بیان دیگری احتیاط باشد در دینها آنست که هر کسیکه شایق ترجیح این امر عظیم النفع بوده باشد از
از مقتضی جامع الشرایط در فتوی بگیرد از برای که در آن هرگاه خود چنین مجتهدی نبوده ...
جمعی از اجلاء اماثل طایفه قایل بشرطیه آن شده اند بلکه سهل است بعضی از محققین ایشان هم
بعد از آن نقل کرده اند و گفته اند صریحا باید چنین نماز مجتهد جامع الشرایط بوده باشد یا اذن
او نماز بکند هرگاه بجهت این کیفیت نماز ایشان صحیح نیست و فرق نیست در بعضی
این نماز در میان آنکه اجتماع مجد و جماعت منعقد شده باشد ... شده است از کلمات
اصحاب که بعضی قایل شده اند با آنکه آنچه گذشت از عدم تخییر نیست بلکه ... از اجتماع
بعد از اجتماع پس نماز جمعه در این صورت واجب عینی است پس وجه است بلکه سهل است ...
نقل معلوم میشود که چنین خلاف نیست در میان ... در بیان کیفیت این نماز

[illegible]

... لوازم است که خواهند ... [illegible]
... پس هر کس که داخل در این ... شده باشد واجب عینیت بر او
نماز پس هر کس که مکلف نباشد ... واجب عینیت بر او نماز جمعه
هرگاه ... باشد ... که تا ... بوده باشد بر او واجب است
بر او حاضر شدن ... فرق نیست در میان آنکه ... باشد یا ...
نیست در میان آنکه عبادات اطفال شرعی باشد چنانچه حق آنست یا ...

[illegible]

از این سمت با منعقد نمیشد والظهر و اشهر در این اولیست هم چنانکه جمعی از ارکان دین از قدما
ایشان و متاخرین از ایشان هم قایل بر این شده اند مثل شیخ در خلاف و ابو المکارم
در غنیه و حلبی در اشاره و ابن ادریس در سرائر و علامه در منتهی و آقا سید علی مرحوم صاحب
مطالع الانوار بلکه اکثر علما چنانکه در شرح کبیر است قایل بر این شده اند پس هرگاه عدد نماز
جمعه قلیل بوده باشد و تمام نشود عدد آن مگر با غلام یکی از این دو صنف یا از هر دو صنف
پس منعقد میشود نماز با اینها بنابر الظهر ... عدم انعقاد مطلقا نقل اجماع
نقل شده است در این ... از او که صریح و ظاهر بوده باشند و مخفی نیست که هر یک
از این اجماعات نازل منزله حدیث صحیح میباشند بنابر الظهر و اشهر در میان اصولیین پس
معین است که عمل باینها شود ... هرگاه مرجح نشود ...
از اینکه شهرت تامه بوده باشند بلکه سهل است بعضی نقل کرده اند که ظاهر آنست که این
عدم انعقاد محل وفاق اصحاب بوده باشد پس ظاهر که حق در اول عدم انعقاد جمعه است

[illegible]

... بسبب حضور نماز ... و هم چنین فرق نیست در میان انواع مرض هر کدام که
باشد باعث سقوط نماز است از او ... شخص که عاجز باشد از حرکت کردن بالمره یا شاق باشد
بر او حرکت کردن ...

[illegible]

و اول وقت نکرده هم نباشد یا حاجت داشتن باو و اگر مقصر در ترک آنها نبوده باشد [illegible] بعضی
ملاحظه کرده اند بنا بر آن [illegible] اگر کوچ بشوند و مسافر نبوده [illegible] شرعی [illegible]
هر یک منافی با قاعده احتیاط است و تفصیل هر یک از این شرایط منافی با نماز ظاهر میشود در مقام
جماعت ان شاء الله تعالی **دویم** وجود چهار نفر مأموم است که هر یک بالغ عاقل [illegible] بوده باشد
[illegible] بوده باشد یا کور یا [illegible] یا بعید [illegible] از این باشد [illegible]
موجب تقصیر در نماز نشود یا مثل اینها **سیوم** آنکه نماز جمعه دیگر واقع نشود که در میان هر دو
[illegible] فرسخ بوده باشد [illegible] در بعد [illegible] جمعی است نه حال بلد و نه حال محل [illegible]
چهارم آنکه مانعی از تقیه [illegible] در آن مقام نبوده باشد پس اگر بوده باشد یکی از اینها
نماز باطل است [illegible] نیت در میان اینکه تقیه مثلا امام جمعه باشد یا [illegible] مأموم [illegible]
نماز با اینها منعقد میشود از آنچه گذشت [illegible] تقیه [illegible] امام [illegible]
باشد باطل خواهد بود نماز ایشان **پنجم** آنکه خطبتین خوانده شود و در آن [illegible]
یکی ضعیف است [illegible] بعدم اشتراط [illegible] بوده باشد [illegible]
[illegible] است از [illegible] هر گاه کسی [illegible]
نماز [illegible] در میان [illegible] بطلان نماز است [illegible] خطبه در حال خواندن
[illegible] خطیب [illegible] طاهر بوده باشد [illegible]
[illegible] واجب است [illegible] خطبتین [illegible] واجب است [illegible]
نماز [illegible] گذشت [illegible] معتبر است [illegible] معتبر است و در نماز [illegible]
شرایط نماز [illegible] واجب است اینکه خطیب ایستاده باشد در حال خطبه
خواندن [illegible] هر گاه نشسته خطبه را بخواند [illegible] ایستادن باطل است [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
نماز [illegible] است [illegible] جمعه [illegible]

نماز [illegible] خلاف [illegible] باطل شود [illegible] هر گاه شخص [illegible]
از ایستادن [illegible] اند که اصل اینست که [illegible] هر گاه [illegible]
[illegible] خطبه را [illegible] است مثل نماز که [illegible] در حال عجز [illegible]
که واجبات قیام و صلوة است و قیام اینجا سهل است [illegible] که [illegible] صلوة است
در اینجا [illegible] اینکه [illegible] در حال قیام و استقرار [illegible] انتصاب [illegible]
[illegible] التفات [illegible] باید [illegible]
خواهد بود [illegible] است نماز [illegible] باطل خواهد بود [illegible] واجب است که
در خطبه بنشیند [illegible] خطیب [illegible] امام [illegible] اصل اینست که [illegible]
ساکت بنشیند و تکلم بچیزی نکند و اصل اینست که سکوت هم بکند [illegible] که [illegible]
بوده باشد [illegible] واجب اینکه شروع [illegible] بوده باشد پس بنابر
هر گاه [illegible] یکی از اینها [illegible] واقع شود باطل خواهد بود [illegible]
[illegible] در میان [illegible] بوده باشد یا [illegible]
باشد [illegible] خطبه [illegible]
[illegible] است [illegible] خوانده شده است [illegible] خطبه [illegible]
[illegible] خطیب [illegible]
امام [illegible] باشد [illegible] واجب است که هر یک از دو خطبه [illegible] باشد
[illegible] صلوات [illegible]
[illegible] و صلوات [illegible] خلاف [illegible] گفته شود [illegible] الحمد
الحمد لله رب العالمین [illegible] لفظ صلوة [illegible] است [illegible]
[illegible] واجب است [illegible] لفظ [illegible]
[illegible] واجب است

[illegible] اوّل اینکه [illegible] خطبه [illegible]
است [illegible] استغفار از برای مؤمنین و مؤمنات [illegible] امام [illegible]
خطبتین [illegible] نماز جمعه [illegible] واجب [illegible]
[illegible] واجب است اینکه ساکت هم بوده باشند **فصل چهارم** در آداب و
مستحبات [illegible] نماز با خطبتین [illegible] مستحب است [illegible]
[illegible] امام و مأموم [illegible] مسجد جامع [illegible] مستحب است [illegible]
[illegible] مسجد [illegible] مستحب است [illegible]
باشد مستحبات [illegible] مسجد بنشیند [illegible]
صفوف [illegible] باشد [illegible]
[illegible] مستحب است [illegible] مستحب است [illegible]
[illegible] مسجد خواندن این دعا [illegible] اللهم من تهیأ و تعبأ و اعدّ و
استعد لوفادة الی مخلوق رجاء رفده و طلب نائله و جائزته [illegible] یا سیدی [illegible]
[illegible] رجاء [illegible] و طلب نائلک و جائزتک فلا تخیب الیوم رجائی
یا من لا یخیب علیه سائل و لا ینقصه نائل فانی لم آتک الیوم بعمل صالح قدمته و لا شفاعة مخلوق رجوته و لکن
اتیتک مقرا بالظلم و الاسائة لا حجة لی و لا عذر فاسئلک یا رب ان تعطینی مسئلتی [illegible]
[illegible] یا عظیم یا عظیم یا عظیم [illegible] العظیم اسئلک یا عظیم ان تغفر لی العظیم لا اله الا انت
اللهم صل علی محمد و آل محمد [illegible] جمیع ذنوب [illegible]
[illegible] انک انت الوهاب و مستحب است [illegible] امام [illegible]
و مستحب است [illegible] سلام کند [illegible]
[illegible] واجب است [illegible] جواب [illegible] و مستحب است اینکه [illegible] امام [illegible]
در حال خطبه [illegible] مستحب است اینکه امام [illegible] بنشیند [illegible]

[illegible] از اذان [illegible] و مستحب است اینکه امام [illegible]
[illegible] بوده باشد امام [illegible] مستحب است نیز اینکه
[illegible] باشد [illegible]
باشد [illegible] نماز [illegible]
[illegible] مستحب است اینکه [illegible]
[illegible] مستحب است اینکه [illegible] مستحب است [illegible]
و مستحب است [illegible] امام [illegible] قنوت [illegible]
مستحب است [illegible] قنوت [illegible]
باشد و مستحب است [illegible] امام [illegible] سوره جمعه [illegible] نماز جمعه [illegible]
[illegible] قنوت [illegible]
است [illegible] و مستحب است [illegible] امام [illegible] قرائت [illegible]
[illegible] رکوع و سجود و تشهد و سلام و مستحب است [illegible] صلوات [illegible]
[illegible] علی محمد و آل محمد [illegible] و بارک علی محمد و آل محمد [illegible]
و السلام علیه و علیهم [illegible] امام و مأموم [illegible] تکلم کردن [illegible] خطبه [illegible] است تکلم کردن [illegible]
[illegible] امام و مأمومین [illegible] نماز جمعه [illegible] است [illegible]
[illegible] اینکه نماز [illegible] و [illegible] واجب نیست [illegible]
[illegible] نماز جمعه [illegible] است [illegible]
فصل ششم در بیان [illegible] ثابت شده است [illegible] علاوه بر آنکه گذشت

چنانکه گذشت در آداب حمام

در حدیث است که هر کس شارب بگیرد [illegible]

و اینها [illegible] اول نقل کرده است با آداب و سنن که گذشت و در حدیث [illegible] سنت

سنتی [illegible] در خطی و ثواب هر یک گذشت در آداب حمام [illegible] باشد در [illegible]

پوشیده نماند [illegible] جاهای [illegible] است [illegible] مطلق [illegible] است

[illegible] ناخن و شارب است [illegible] از جمله مستحبات اکیده و مؤکد است و بعضی [illegible]

از [illegible] بگیر [illegible] موی لب بالا [illegible] شود و هر چه بیشتر [illegible] بهتر است

و در حدیث است از پیغمبر خدا که شارب خود را دراز مکنید که شیطان در آنجا مسکن و

پنهان میشود و در حدیث دیگر است از امام جعفر صادق ع که شارب گرفتن [illegible]

میکند [illegible] سنت حضرت رسول است و حضرت رسول ص فرمود که سنت است که [illegible] موی

تا [illegible] لب بالا و حضرت امام جعفر صادق ع شارب را [illegible] میکند که [illegible]

رسید و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق ع است که ناخن گرفتن و شارب

از جمعه تا جمعه [illegible] امان [illegible] از خوره و در حدیث صحیح دیگر وارد شده است که ابن ابی یعفور

خدمت حضرت امام جعفر صادق ع عرض نمود که گفته میشود [illegible] نازل نمیکند [illegible]

در ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب [illegible] است و [illegible]

گرفتن شارب [illegible] ناخن است در روز جمعه و در حدیث دیگر است که شخصی [illegible]

[illegible] حضرت امام حسن ع عرض کرد [illegible]

[illegible] پس حضرت امام جعفر صادق [illegible]

[illegible]

و شارب است [illegible] باشد و در حدیث دیگر است که ناخن گرفتن [illegible]

[illegible] احتیاج [illegible] باشد [illegible]

[illegible] و در حدیث دیگر است که شخصی [illegible] آنحضرت عرض کرد [illegible]

[illegible] ناخن و شارب [illegible]

بکر

در فضیلت ناخن و شارب گرفتن

که در آن [illegible] باشد

باشد و در حدیث دیگر است که هر که ناخن و شارب خود [illegible] جمعه بگیرد [illegible] که [illegible]

[illegible] محمد و آل محمد [illegible] ناخن [illegible]

[illegible] اسمعیل [illegible] مطالب [illegible] در حدیث

دیگر است از حضرت امام جعفر صادق ع که ناخن و شارب [illegible]

[illegible] میکند و در حدیث دیگر است از پیغمبر خدا ص که هر کس [illegible]

[illegible]

[illegible] و در حدیث دیگر است از پیغمبر خدا ص که ناخن

[illegible] و در حدیث دیگر است از امام محمد

باقر ع [illegible] که [illegible] شیطان در آنجا میکند

[illegible] است و در حدیث دیگر است که هر که [illegible] ناخن بگیرد [illegible]

[illegible] ناخن [illegible] از [illegible]

[illegible] است و در حدیث است از پیغمبر خدا ص که [illegible]

که ناخن [illegible] است و [illegible]

[illegible] ناخن و شارب [illegible] که هر یک [illegible]

[illegible] و در حدیث است از حضرت امام [illegible]

[illegible] چشم [illegible]

[illegible] ناخن [illegible] چشم [illegible]

و در حدیث دیگر است از حضرت امام محمد باقر ع که هر که [illegible] چشم [illegible]

[illegible] و در حدیث دیگر است که هر که [illegible] ناخن بگیرد [illegible] چشم [illegible]

حدیث دیگر است که هر که ناخنهای خود را [illegible]

انگشتان [illegible] ناخن

در فضیلت ناخن و شارب گرفتن

و در تشخیص گرفتن [illegible] میکند

و شارب [illegible] و در حدیث دیگر است از حضرت امیر المؤمنین

که ناخنها را [illegible] جمعه [illegible] و در حدیث دیگر است از حضرت امام

[illegible] ناخن [illegible] جمعه [illegible]

[illegible] جمعه [illegible]

[illegible] و در حدیث دیگر وارد شده

که هر [illegible] از جمیع این اخبار معتبره که ناخن و شارب [illegible]

[illegible] جمعه [illegible] هر کدام [illegible]

[illegible] جمع [illegible] ثواب [illegible]

[illegible] ناخنها [illegible] پنج شنبه [illegible]

جمعه و در حدیث است که هر که ناخنها [illegible] پنج شنبه بگیرد [illegible] ناخن [illegible]

[illegible] ناخنها [illegible]

پنج شنبه بگیرد [illegible] جمعه [illegible]

~~[illegible]~~

~~[illegible]~~ که مستحب است در حالی که گرفتن شارب [illegible] ناخن

بگوید [illegible] محمد و آل محمد و مستحب است [illegible] بعد از فراغ

از هر یک ابتدا با انگشت کوچک دست چپ [illegible] انگشت کوچک دست راست [illegible]

پنج شنبه [illegible] انگشت کوچک دست راست [illegible]

[illegible] انگشت کوچک دست چپ [illegible] پنجشنبه [illegible]

اول روایت [illegible] داده شده است بجناب امیر المؤمنین [illegible]

[illegible] بالستر والادب [illegible]

یعنی [illegible] ناخنهای خود را [illegible] سنت [illegible] دست راست [illegible]

[illegible] در روایات اختلاف بسیاری هست در کیفیت ناخن گرفتن [illegible] از روایات [illegible]

بکر

در فضیلت ناخن و شارب گرفتن

[illegible] ناخن [illegible]

بگیر [illegible] با انگشت خنصر که انگشت کوچک است و بعد از آن انگشت وسطی و میانه را بگیر [illegible] معلوم است

که کدام است و بعد از آن انگشت ابهام را بگیر که آن انگشت بزرگ است بعد از آن انگشت سبابه را

بگیر که آن انگشت بعد از ابهام است و بعد از آن انگشت [illegible] انگشت پهلوی انگشت کوچک

است [illegible] از انگشتهای دست چپ را بگیر [illegible] که مذکور شد است [illegible]

[illegible] معلوم میشود [illegible]

است [illegible] و مستحب است [illegible] هر یک از ناخن و موی [illegible]

[illegible] و در حدیث است از حضرت امیر المؤمنین [illegible] رسول خدا ص امر فرمود [illegible]

[illegible] پنهان کنیم موی و دندان و ناخن [illegible] و در حدیث دیگر است از پیغمبر [illegible]

[illegible] ناخن [illegible]

[illegible] باشد پس معلوم شد که هر یک از این [illegible] ناخن [illegible]

[illegible] و در حدیث [illegible] شده است مستحب است [illegible]

[illegible] ضعیف [illegible] باشد [illegible] کلام [illegible]

آداب و سنن است [illegible] کفایت میکند [illegible] حدیثی [illegible]

[illegible] باشد هر چند [illegible] باشد و مکروه است [illegible] ناخن دست و پای [illegible]

در یک مجلس [illegible] مکروه است [illegible] ناخن [illegible] وارد شده است [illegible]

از مجموع این اخبار معلوم شد که ناخن و شارب گرفتن [illegible] ایام هفته مطلوب است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] وارد شده است [illegible] حضرت رسول [illegible]

[illegible]

انگشتان [illegible] و در حدیث دیگر است از آنجناب که هر کس [illegible]

خود را مستجاب [illegible] خواهد [illegible] از [illegible]

[illegible] خواهد که خداوند عالم [illegible] و در حدیث دیگر است [illegible]

[illegible]

[illegible] شانه کردن [illegible]

[illegible] است که خداوند عالم [illegible] کرده است

[illegible] در حدیث است از رسول خدا [illegible]

چون حق [illegible] بر حضرت آدم [illegible]

[illegible]

و مستحب است [illegible] شانه [illegible] در حدیث دیگر است [illegible]

[illegible]

کم‌بها چیزیست که در دنیا یک ... از ابل میکنی بوی خوش کردن و غسل ... و سواری کردن
و ... نقل کرده‌اند در حدیث دیگر است که در بیغمبر خدا ... بود که در ... بوی
آید اگر آنحضرت را نیابد ... اگر از ... میکنند ... اگر ...
[illegible] که از راه میگذشت میدانست که آنحضرت از آن راه عبور نموده از ... بوی
کردن آن را ... اگر ... که میکنند آنحضرت را ... میگ[illegible]
و مستحب است ... در حدیث است که هر که در اول روز
بوی خوش بر خود بمالد تا شب عقلش با او باشد و مستحب است ... نماز بودن
در حدیث است که نماز کسیکه خوشبو باشد بهتر است از هفتاد نماز که در آن بوی خوش
... بیشتر استعمال کردن ... داخل شدن بسابد و
مستحب است ... استعمال کند چنانکه در حدیث
است از امیرالمؤمنین ... بوی خوش استعمال کند ...
... ناشتا ... مکروه است و ... در حدیث است
که ... امیرالمؤمنین ... کراهت ... بوده که
بوی خوش ... و در حدیث
دیگر است که پیغمبر خدا ... بوی خوش و شیرینی که ... آن حضرت ...
سبب ... بوی خوش ... چنانکه در حدیث معتبر وارد شده است
اینست که چون آدم ... از بهشت ... حضرت آدم ... گفت
... از بوی خوش ...
... چه ... بهشت ...
... بوی خوش که ...
... این هفت ... سبب است که ...

بوهای خوش ... در حدیث دیگر است که چون حضرت آدم از آن درخت که ... شده بود
از خوردن ... بوهای بهشت ... از ...
را گرفت ... بوی خوش ...
رسانید و ... گیاهان ... سبب گیاهان خوش‌بو ...
باشد ... بوی ...
... بوی خوش ...
و مستحب است ...
در ... که ... در حدیث دیگر است که ...
است ... کفایت میکند ...
حاجت ... و مستحب است ...
... در حدیث است از امام جعفر صادق ... که فضیلت ...
... در حدیث دیگر است ... شیعیان ما ...
در حدیث دیگر است که فضیلت ... در حدیث دیگر است از پیغمبر خدا
... در حدیث دیگر آمده
... فضیلت ...
... شیعیان علی بن ابی طالب ... دشمنان ایشان
چنانکه وارد شده است در حدیث ... مستحب است ... در حدیث
... هفتاد ... در حدیث دیگر است که ...
...
که ... وارد شده است و مستحب است مالیدن ...
... در حدیث است که هر که ... شیطان ...

... و مستحب است ...
حدیث است که ... شیطان ...
... در حدیث دیگر است که مالیدن ... استعمال ...
و مستحب است ... استعمال کردن ...
... مالیدن ...
... استعمال کردن ...
... کفایت میکند ...
... مستحب است ...
... مستحب ...
... چنانکه حضرت امام رضا علیه السلام
میکردند ... مستحب است گلاب و مشک بر خود مالیدن چنانکه ... میکردند
... در حدیث دیگر است که ... عود هندی هفت نوع از شفا هست ... مستحب است ...
... چنانکه پیغمبر خدا ... میکردند ...
... بوهای خوش ...
و مستحب است ...
که در گلاب در حدیث است که گلاب ...
... در حدیث دیگر است که هر که گلاب ...
و مستحب است ... گلاب ...
... مستحب است صلوات ... و مستحب است ...
...
و مستحب است ... در حدیث است که ...

... است ... سبب ...
... پیغمبر خدا ...
...
...
... سبب است ...
...
...
... در حدیث دیگر است که ...
...
...
... در حدیث دیگر است ...
... مستحب است ...
... چنانکه ... وارد شده است اینست که چون حضرت ابراهیم ...
...
... مستحب است ...
... مستحب است ... در حدیث است ...
... مستحب است ...
...
...
...
... بوهای خوش ...

بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد و در حدیث [illegible] که گناهان ایشان امرزیده شود

[illegible]

بعد از آن بگوید اللهم انی اسئلک [illegible]

[illegible] الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات اللهم [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین فی اتمام هذا الخیر

نهج ... در بیان ... با اسب ...
شعبا کو در ... منشود بس اول وقت ان بعد از طلوع شمس ...
ان وعیص شدن ... اول زوال شمس است ...
پس اول ان همان طلوع شمس است و دیگری ...
ارتفاع شمس است و طلوع شمس و وقت خروج ...
زوال شمس است و بعضی دیگر ... اول
که ذکر شد ... اول ان همان ...
...
... در بیان ... است ...
...
است ...
... ذکر شد ... دلیل
... نماز ...
در ...
[illegible]

نهج سیم در رکعت ان نماز ها است ... ان نماز ها ...
...
...
نماز میکند ... بعد از ان تکبیر الاحرام ... بعد از ان حمد و سوره ...
که میخواهد میخواند و بعد از ان برکوع میرود و بعد از ان راست میشود و یک تکبیر میگوید
و بعد از ان باز حمد و سوره را میخواند و برکوع میرود و بعد از ان راست میشود و یک تکبیر میگوید
بعد از ان باز حمد و سوره را میخواند و بعد از ان میرود برکوع و بعد از ان راست میشود و یک تکبیر میگوید
و بعد از ان باز حمد و سوره را میخواند و بعد از ان میرود برکوع و بعد از ان راست میشود و یک تکبیر میگوید
بعد از ان باز حمد و سوره را میخواند و بعد از ان میرود برکوع و بعد از ان راست میشود و ...
... سمع الله لمن حمده و بعد از ان میرود بسجود و دو سجده بجا میآورد
و بعد از ان بر میخیزد و ...
و سلام را میگوید ...
[illegible]

...
...
...
... در بیان ...
...
...
...
[illegible]

فصل چهارم در بیان ... است که ...
...
است اگر ... افضل است ...
...
...
چهارم طول دادن ... و ذکر رکوع و سجود و قنوت است ...
...
و الارض ان تزولا ...
خوانده شود ...
است که ...
[illegible]

و تشهد اول ساقط شود لذا عمل نموده ... [illegible] ... است ... [illegible] ... که عمل
این ... [illegible] ... است ... [illegible] ...
ماخذ است ... [illegible] ... است که جماعت ... [illegible] ... خالی از
... [illegible] ... است که ... [illegible] ... جماعت ... [illegible] ...
تمام است ... [illegible] ... بعض ... [illegible] ... با بعض ... [illegible] ...
... [illegible] ... جمع شود ... [illegible] ... پس واجب
میشود ... [illegible] ... واجب ... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... در میان ... [illegible] ...
... [illegible] ... نماز ... [illegible] ... است ... [illegible] ...
... [illegible] ... نماز ... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... واجب ... [illegible] ... شود ... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... خواهد
شد ... [illegible] ... است از حضرت ... [illegible] ...
... [illegible] ... نماز ... [illegible] ...
... [illegible] ...
واجب ... [illegible] ...
... [illegible] ... دلیل ... [illegible] ...

[illegible]

مسئلت است در ... [illegible] ... شرط کرده اند ... [illegible] ... اسلام ... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ... صحیح نیست ...
... [illegible] ...

[illegible]

ماکو [illegible] استخاص ثلثه در دعوی [illegible] ماذون [illegible]
[illegible] نیست [illegible]
[illegible] والو شرط
[illegible] است [illegible]
[illegible] الحاق است [illegible] احتیاط [illegible]
[illegible] حیوانی [illegible]
[illegible] معلوم شد [illegible] در نذر [illegible]
[illegible] شرط [illegible] شرط است [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible] در نذر [illegible]
است [illegible] میخواهد [illegible] باشد [illegible]
[illegible]
است [illegible] باید [illegible] باشد و اگر موقت [illegible] باشد
بایست [illegible] منذور [illegible] بایست [illegible]
و اگر [illegible]
نباشد باطل است نذر [illegible] منذور [illegible]
نیست منذور [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد منعقد نیست [illegible] نذری [illegible] نذری بکند [illegible]
[illegible] منذور [illegible] است در [illegible]
[illegible]
[illegible] نذر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پس بدانکه اینجا معلوم شد و بدان که قسم منقسم میشود به چند قسم یکی قسمی است که منعقد میشود و آن
قسم خوردن بر امر آینده است یعنی اصرار بر فعل آن باشد یا بر ترک آن با قصد و اراده آن [illegible] و دیگر قسم
خوردن بر امر گذشته است یا آینده بدون قصد و اراده این قسم [illegible] کردن زبان است [illegible] یاد کردن
بدون [illegible] و احکام این قسم [illegible] چهارم قسم غموس است و آن قسم خوردن بر خلاف [illegible]
با اعتقاد [illegible] است پنجم قسم خوردن [illegible] گذشته است [illegible] که
در حال واقع شده است با اعتقاد [illegible] صدق [illegible] است [illegible] از قسم [illegible]
[illegible]
این گناه را متعلق میکند و قسم دوم [illegible] است از قسم [illegible]
منعقد میشود و در مخالفت [illegible] کفاره [illegible]
[illegible] در حالت غضب [illegible]
نباشد [illegible] پس این قسم لغو است [illegible]
[illegible] قسم چهارم حرام است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

مقصد دوم

[illegible]

ازحال نایب ... تا انکه حمل لازم بکند برای ان مشغول ...

سیم در بارهای است که واجب میشود بر پسر بزرگ بجا آوردن انها ...

واجب است بر پسر بزرگ که از اولاد بزرگتر بباشد در میان اولاد ذکور بجا آوردن

نماز و روزه پدر خود را هرگاه فوت شده باشد و در وقت فوت ان پدر مستطیع شده باشد

و قضا بجا نیاورده باشد تا انکه از دار دنیا رفته باشد و لکن باید نکردن انها هم از جهت معذور

بودن ان باشد یا انکه در سفر بوده باشد یا انکه مریض شده باشد که نتوانسته باشد

بگیرد وقت ... در روزه در رمضان از روزه ماه مبارک رمضان و روزه ...

مبارک رمضان مشروط ... در سفر حضور ... و بلوغ ان در حین فوت

بجا ... پس در حین فوت پدر بالغ باشد یا نابالغ باشد و بعد

از ده سال مثلا ممیز شود واجب است بر او قضا کردن و اگر دو پسر بزرگ

مساوی در سن بوده باشند مثل انکه دو طفل از دو زن متولد شده باشد در یک ساعت

... در قضا کردن بجا آوردن ...

[illegible]

مقصد دوم

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

[illegible]

است مستحب که مستند او ترجیح بعضی بر بعض [illegible] اصل [illegible] تمام است و لکن عمل کردن [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

متمکن شود یا پیش از شروع بداند که وقت وسعت ندارد مگر یک رکعت از آن و [illegible] کدام که با [illegible]
میتواند شروع بکند [illegible]
چنانکه بعضی از [illegible] ذکر کرده اند و لکن احتیاط [illegible] اولی است [illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] یا کریم

بجا آوردن هر یک از نوافل را ایستاده [illegible] در حال اختیار و در حال ضرورت و در حال مشی و [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

شب چه در رکعتین اولیین از نماز پیشین و در شش رکعت دیگر از نماز دیگر و در هر رکعت اول از آن چند سورت ارتیل آنها هست که میخواند تا شب کن هر شب از آنها بجا بیاورد و اما در رکعتین اولیین پس اول آنست که در هر یک از این دو رکعت بعد از فاتحه سوره توحید را سی مرتبه بخواند که منقول است از امام جعفر صادق علیه السلام که هر که بخواند در رکعتین اولیین از نماز شب سی مرتبه سوره قل هو الله احد را در هر رکعتی سی مرتبه فارغ شود از نماز در حالتی که میان او و میان خدای تعالی گناهی باقی نباشد دوم آنست که در هر یک از دو رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سوره توحید را بخواند و در رکعت ثانی بعد از حمد سی مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند و ثالث آنست که در رکعت اول بعد از حمد قل یا ایها الکافرون بخواند بعد که گذشت و در رکعت ثانیه سوره توحید بعد از آنچه گذشت ... و در هر یک ... الخ ... باید همان سوره تو ... خاص آنست که در هر یک از دو رکعت میخواند بخواند از سوره قرائت ... انشاد باید همان ... رکعات ... اول از آنها آنست که در هر رکعت از شش رکعت بعد از حمد قرائت سوره توحید باید سی مرتبه مثل دو رکعت اول ... بخواند در هر یک از این شش رکعت ... که گذشت ده مرتبه سوره توحید بخواند و ثالث آنست که در هر یک از این شش رکعت قرائت باید سوره مطولات مثل انعام و کهف و انبیا ... و ثالث آنست که در چهار رکعت اول چنانکه ... در هر یک ... بعد از حمد سوره ... و در رکعت ... بعد از حمد سوره ... و در رکعت ثالثه بعد از حمد سوره ... بعد از حمد سوره توحید و بعد از فراغ از قرائت در هر رکعت قبل از رکوع ... سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ... در سجده ... در رکعت چهارم بعد از فراغ از تسبیح بخواند یا من لبس العز والوقار یا من تعطف ...

بالمد

[illegible]

یا من تعطف بالمجد وتکرم به یا من لا ینبغی التسبیح الا له یا من احصی کل شیء علمه یا ذا النعمة والطول یا ذا المن والفضل یا ذا القدرة والکرم اسئلک بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم الاعلی وکلماتک التامات ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفعل بی کذا وکذا ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]



بسم الله الرحمن الرحیم







هو الموفق والمعین

[illegible]

بسم الله و هو الموفق والمعین

بسم الله و هو المعین و هو الموفق

دیگر است از شیخ ... که ... حضرت امیرالمؤمنین ... [illegible]

مرحوم ... [illegible] ... هر کس نماز شب ... [illegible]

[illegible]

... هشت رکعت نماز کند ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

ماده اند که مشروع نیست این نماز ... [illegible]

[illegible]

الی لا نعلمها ... ان تعطی علی ... وان ... [illegible]

[illegible]

و در حدیث دیگر است از آنحضرت که کسیکه داخل ... شود بدون استخاره پس مبتلی شد

[illegible] و در روایت دیگر ... است [illegible]

[illegible] طلب خیر میکند [illegible]

[illegible]

[illegible]

فاکر اول ان افعل ما یابد و تعقیب لا تفعل و بعد از آن افعل بهتر است از عکس و از اینکه اول لا تفعل بیاید
و بعد از آن سافعل و بنابر قیاس سایر شقوق خود [illegible] معلوم کرده اند و از برای استخاره
از برای بار وجوهی ذکر کرده اند و آسان ترین همه این است که ابن طاوس اعلی الله مقامه
در کتاب فتح الابواب خود نقل کرده اند که از بعض مشایخ سمرقند که [illegible]
[illegible] ذکر فرموده اند هر وقتی که اراده [illegible] دارد اینکه تفال بزند بکتاب خدا [illegible]
و [illegible] پس قرائت بکند سوره اخلاص را سه دفعه و بعد از آن صلوات بفرستد [illegible]
[illegible] بعد از آن بگوید [illegible] و توکلت علیک فارنی
من کتابک ما هو المکتوم من سرک المکنون فی غیبک بعد از آن باز کند قران را و
انچه در سطر اول صفحه دست راست است بگیرد و عمل نماید بدون آنکه [illegible]
[illegible]

[illegible] بغیر [illegible] که این طریق [illegible] ذکر کرده [illegible]
[illegible] و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من
ورقة الا یعلمها و لا حبة فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین و بعد از آن
بگوید اللهم ان کان فی قضائک و قدرک ان تمن علی امة نبیک بظهور [illegible]
[illegible] فعجل ذلک [illegible]
[illegible] و بعد از آن مصحف را [illegible]
[illegible] و بعد از آن از صفحه دست راست ورق [illegible] لفظ جلاله
[illegible] و بعد از آن [illegible] ورق [illegible]
از صفحه دست راست آن ورق سطور [illegible] فال او است [illegible]
[illegible]

[illegible]

واستخاره هرگاه [illegible] بعنوان استخاره [illegible]
[illegible] استخاره [illegible]
[illegible] استخاره بکنند [illegible]
[illegible] استخاره بکنند [illegible] استخاره بکنند
[illegible]
[illegible]
[illegible] استخاره [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

نهج [illegible] در نماز [illegible]
از جمله مستحبات [illegible]
[illegible]
[illegible] در رکعت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بايد در رکعت اول [illegible] آية الكرسى [illegible]
سوره [illegible]
[illegible]
[illegible] سوره توحيد خوانده شود [illegible]
[illegible]
اول [illegible] آية الكرسى [illegible] سوره توحيد [illegible] در رکعت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

نهج ششم در نماز اول ماه [illegible]
[illegible]
[illegible] در رکعت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لا حول و لا قوة الا بالله [illegible]
لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] بعد از آن [illegible]
[illegible] الملجأ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] نهج هفتم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] نهج هشتم در نماز استسقا [illegible]

بدانکه این نماز مستحب است در ... [illegible]

[illegible]

از کارها ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در حدیث صحیح است که او ... [illegible] ... از برای ... در رمضان ... [illegible]

که سوال کرد ... [illegible] ... از برای کسیکه این نماز را بکند ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دلیست رکعت بجا آورد هشت رکعت بعد از نماز شام و دوازده رکعت بعد از نماز خفتن ... [illegible]

رکعت ... [illegible] ... و در شب نوزدهم صد

رکعت ... [illegible] ... صد رکعت باشد ...

و در رکعت بعد از نماز خفتن ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

نماز مستحب است ... [illegible] ... ساعت پیش از زوال ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

و وقت ادای [illegible] این نماز [illegible] باشد [illegible] و قصد خواند [illegible] حاجتی از

حاجات دنیا و آخرت از حق تعالی سؤال کند البته برآورده است هر چند عظیم باشد دوم

نماز قیست که حضرت ملاعبد [illegible] علیه السلام [illegible] نقل [illegible]

[illegible] در آن [illegible] ترجمه [illegible] بجا آورد

بر [illegible] نصوص [illegible] نقل [illegible]

نزول آیه مبارکه [illegible] جبرئیل علی نبینا و علیه السلام [illegible]

[illegible] و در نماز قیست که [illegible] از علی بن ابی طالب [illegible] صلوات الله و سلامه

اردران [illegible] نصرت [illegible] مظلوم [illegible] مذکور است که در روایتی وارد شده است [illegible]

[illegible] باید که [illegible] دو رکعت نماز کند در رکوع و سجود

[illegible] بگوید اللهم انی مغلوب فانتصر [illegible]

نصرت خواهد یافت بر دشمن خود [illegible] در کتاب [illegible] خود [illegible]

[illegible] هر که [illegible] تا شب اول ماه

و چون شب اول ماه شود [illegible] نماز کند [illegible] بکند سوی خانه [illegible]

[illegible] بگوید [illegible]

[illegible]

[illegible] بگوید اللهم [illegible]

[illegible] یا علی یا عظیم [illegible] اشاره کند بجانب دشمن که [illegible]

کفایت خواهد نمود

کفایت خواهد نمود ما [illegible] در ماه رجب [illegible] در ماه [illegible]

[illegible] بعضی [illegible] حاجات است [illegible]

[illegible] که وارد شده است در پانزدهم شهر رجب [illegible] این نماز

مشهور است بنام ام داود [illegible] هر که بکند [illegible] حاجات

بر خواهد آمد [illegible] خواهد شد [illegible] برداشته خواهد شد و [illegible]

[illegible]

کیفیت اصل [illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

باشد [illegible] کشنده [illegible] عبدالله بن الحسن [illegible]

[illegible] داود بود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که داود را گرفتند [illegible]

[illegible] تا آنکه [illegible]

شد [illegible] تا آنکه [illegible] حضرت امام جعفر صادق علیه

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

مادر داود [illegible] را تعلیم [illegible] برادران [illegible]

[illegible]

[illegible] ام داود گفت که از خواب بیدار

شدم [illegible]

[illegible] ای مادر من [illegible] و در زندان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] پس [illegible]

[illegible]

[illegible] و ده هزار درهم که

[illegible] رسانیدند ام

داود گفت که من [illegible] حضرت امام جعفر صادق [illegible] حضرت [illegible]

منصور [illegible]

چون [illegible]

[illegible] کیفیت این نماز [illegible]

[illegible] این نماز [illegible] را مستحب است

[illegible] مستحب است چون زوال معلوم شود پاکیزه

[illegible]

[illegible]

ادام

خواست [illegible] حضرت [illegible] که از داود [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] امید که [illegible] نماز

[illegible] اجابت [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] استقبال

[illegible] است [illegible]

[illegible] ام داود گفت ای [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] در ماه [illegible] ماه رجب [illegible]

است [illegible]

[illegible] سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

اسمان [illegible]

[illegible] این دعا

دعا را [illegible]

باشند [illegible]

[illegible]

ماه رجب داخل شد [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

و بعد از آن نماز ظهر را بجا بیاورد و بعد از آن دو رکعت نماز استفتاح را بجا بیاورد در هر سوره که خواهد بخواند
و بعد از فارغ شدن از آن صد مرتبه میگوید یا قاضی حوائج الطالبین و بعد از آن هشت رکعت نماز عصر را با آداب بجا بیاورد
در هر رکعتی [illegible] بعد از حمد سه مرتبه قل هو الله احد و یک مرتبه انا اعطیناک الکوثر بخواند و بعد از آن نماز
عصر را بجا بیاورد با خشوع و آداب و مستحب است که بعد از نماز عصر پا به قبله نشیند و صد مرتبه [illegible]
[illegible] قل هو الله احد [illegible] بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و بعد از آن صد مرتبه سوره حمد و بعد از آن
صد مرتبه قل هو الله و بعد از آن صد مرتبه آیة الکرسی و بعد از آن صد مرتبه [illegible] و بعد از آن بخواند سوره انعام و
بنی اسرائیل و سوره کهف و سوره لقمان و یس و والصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا
اذا وقعت و تبارک الذی بیده الملک و ن والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن و اگر کسی نتواند این سوره‌ها
را بخواند از روی مصحف عوض هر سوره هزار مرتبه قل هو الله احد را بخواند و اگر میشود که اول صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه آیة
الکرسی و صد مرتبه قل هو الله بخواند بهتر خواهد بود و آیة الکرسی را نتواند بخواند [illegible] در بعضی اکتفا کنند
[illegible] قل هو الله و آیة الکرسی را تا هم فیها خالدون بخواند اگر نتوانست بخواند و بعد از آن [illegible] باسب بخواند
دعائی را که [illegible]
دعای استفتاح [illegible] و آن این است بسم الله الرحمن الرحیم و بعد از آنکه فارغ شد
[illegible] و دعای که [illegible] اللهم [illegible] و اما [illegible]
و [illegible] و مستحب است که سعی کند که اشک از دیده‌اش بیرون بیاید اگرچه [illegible]
[illegible] باشد که آن علامت اجابت است و مستحب است نماز در حال سجده [illegible] این دعا اللهم [illegible]
است نازل [illegible] و حضور [illegible] و مستحب [illegible] است که این نماز استفتاح اختصاصی ندارد به
ایام البیض ماه رجب بلکه در هر ماه که این عمل را در ایام البیض بجا بیاورد مطلوب خود
نائل خواهد گردید [illegible] است [illegible] میتواند [illegible] اگر موافق افتد باز در جمعه [illegible]
مذکور است [illegible] ذلک است که نماز [illegible] در ماه رجب [illegible]
[illegible] میتواند بجا بیاورد [illegible] و سی و پنجم رجب است بجا بیاورد این
[illegible] است و روز [illegible] روز بجا آوردن چهار رکعت نماز
نماز [illegible] که خواهد و بعد از فارغ [illegible] دعای [illegible]
باید [illegible] المذاهب [illegible]

[illegible]

نهم بیست و ششم ماه رجب که وارد شده است در بعضی [illegible] و هفتم شهر رجب [illegible]
[illegible] شهر رجب از لیالی عظیمه است که با [illegible] اعظم [illegible]
[illegible] است [illegible] امام [illegible] که در این ماه [illegible] و چراکه در این روز
حضرت صلی الله علیه و آله برسالت مبعوث گردید [illegible] حضرت [illegible] در این روز
نازل شد و [illegible] این روز [illegible] است [illegible] از برای خلق از [illegible]
و از [illegible] چنانکه در حدیث وارد است از حضرت امام محمد تقی [illegible]
عبادت کند این شب را ثواب چنان است که عبادت کرده [illegible] شصت سال [illegible]
شد که [illegible] شب و روزه این روز [illegible] که از دست [illegible]
[illegible] اعمالات بخصوص [illegible] و ادعیه [illegible] در [illegible]
[illegible] روایت [illegible] است [illegible] بعد از [illegible]
[illegible] و در [illegible] نصف شب بوده باشد [illegible] دوازده
رکعت نماز بجا بیاورد [illegible] در هر رکعت [illegible] سلام و در [illegible]
[illegible] بخواند و بعد از [illegible] و بعد از آنکه فارغ شد از نماز [illegible]
سوره حمد و سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها
الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی را هر یک را هفت مرتبه و بعد از آن
این دعا را بخواند الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل
و کبره تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و باسمک
الاعظم الاعظم الاعظم و ذکرک الاعلی الاعلی الاعلی و بکلماتک التامات کلها ان تصلی علی محمد و آله [illegible]
[illegible] ما انت اهله و بعد از آن هر حاجتی که داشته باشد طلب کند [illegible]
[illegible] باشد با [illegible] و صورت دوم است که [illegible]

۱۸

[illegible]

از شب [illegible] و دوازده رکعت نماز بجا بیاورد و در هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه سوره
قل اعوذ برب الفلق و [illegible] قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد را بخواند و بعد از آنکه
فارغ شد در همان مکان که هست بگوید چهار مرتبه لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان
الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از آن هر حاجت که داشته باشد طلب نماید که
[illegible] و بعضی [illegible] نهم و ده که هر یک از این دو روایت
[illegible] هر شب [illegible] و مستحب است در این شب غسل کردن
و زیارت حضرت علی بن ابی طالب را و بعد از آن این دعا را [illegible]
[illegible] اللهم انی اسئلک بالتجلی الاعظم [illegible] و بعد از آن سجده [illegible] و بگوید الحمد لله الذی هدانا
لمعرفته و خصنا بولایته و وفقنا لطاعته و بعد از آن بگوید صد مرتبه شکرا شکرا و بعد از آن سر از
سجده بردارد و بگوید اللهم انی قصدتک بحاجتی و اعتمدت علیک بمسئلتی و توجهت الیک
و سادتی اللهم [illegible] و اوردنا [illegible] دار [illegible] و ادخلنا الجنة [illegible] برحمتک
یا ارحم الراحمین و [illegible] سوره [illegible] است نقل شده است که [illegible]
رکعت نماز بجا بیاورد و در هر رکعت [illegible] سلام و در هر رکعت [illegible] حمد و یک سوره [illegible]
بخواند و بعد از آنکه فارغ شد از نماز [illegible] چهار مرتبه سوره حمد و چهار مرتبه قل هو الله احد
و چهار مرتبه قل اعوذ برب الفلق و چهار مرتبه قل اعوذ برب الناس را بخواند و بعد از آن چهار مرتبه
بگوید لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از آن
چهار مرتبه الله الله ربی لا اشرک به شیئا و بعد از آن چهار مرتبه بگوید لا اشرک بربی احدا [illegible]
دوم است که دوازده رکعت نماز بجا بیاورد در هر رکعت بعد از حمد [illegible] سوره که خواهد [illegible]
بخواند و بعد از هر دو رکعت سلام بگوید و این دعا را بخواند الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم
یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی یا صاحبی فی شدتی

یا ولی

یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی
یا انیسی فی وحشتی انت الساتر عورتی فلک الحمد و انت المقیل عثرتی فلک الحمد و انت المنعش
صرعتی فلک الحمد صل علی محمد و آل محمد و استر عورتی و آمن روعتی و اقلنی عثرتی و اصفح عن جرمی
و تجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد الصدق الذی کانوا یوعدون و بعد از آنکه از نماز
و دعا فارغ شد سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی را بخواند هر یک را هفت مرتبه و بعد
از آنها هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا
بالله و بعد از آن هفت مرتبه بگوید الله الله ربی لا اشرک به شیئا و بعد از آن هر چه خواهد
از خدا [illegible] طلب نماید که مستجاب است و [illegible] است در این روز [illegible] غسل کردن و [illegible]
[illegible] و [illegible] از حضرت امام جعفر صادق [illegible] روایت شده است
[illegible] که [illegible] این روز [illegible] است [illegible] سال [illegible]
[illegible] است [illegible] سال و [illegible]
و حضرت امیر المؤمنین [illegible] در این روز [illegible] مستحب است [illegible] کرامت
[illegible] و [illegible] و مستحب است در این روز این دعا را بخواند یا
من امر بالعفو [illegible] و [illegible] الجهر و النجاة [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين فی الامور کلها [illegible]

نماز جماعت ... [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم و به الاستعانة [illegible]

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على اشرف ... محمد و عترته ... [illegible]

[illegible]

دوم آنست که در حال نماز ... [illegible]

[illegible]

مبحث سیم [illegible]

حدیث نبوی وارد شده است که بدانید که بهترین اعمال شما نماز است و در حدیث دیگر وارد
شده است که بنده وقتی که حاضر کرده میشود در محل حساب اول سوالی که از او میشود سوال از نماز است که
نماز صادر از او مرضی درگاه احدیت جل شانه گردیده باشد جمیع اعمال مرضی او خواهد بود و اگر العیاذ بالله
نماز او مرضی بارگاه معبود متعال نشد هیچ عمل او مرضی نخواهد بود و در حدیث دیگر است که مثال صلوة نسبت
بدین و ایمان مثل ستون خیمه است و اعمال مثل ذکوة و حج و صوم و غیر اینها مثل طناب و میخ و پرده خیمه
است هرگاه ستون خیمه مستحکم و برپا بوده باشد ثمره مترتب بر طناب خیمه و میخ و پرده آن میشود و اگر
ستون مستحکم و برپا نباشد بلکه شکسته باشد مطلقا اثری بر اینها مترتب نمیشود و در حدیث دیگر است
که شخصی عرض نموده است که عرض کردم و استدعا و مسئلت کردم از امام جعفر صادق ع که بمن بفرمایید با
بهترین چیزیکه وسیله تقرب بنده میشود بخداوند عالم جل جلاله و عظم شانه و محبوب ترین اعمال نزد خلاق
عالم چه چیز است آنحضرت فرمودند در جواب نمیدانم چیزی که بعد از معرفت بهتر باشد از نماز [illegible] بعد
از معرفت خداوند عالم و معرفت پیغمبر انبیاء و ائمه صلی الله علیه و علیهم السلام و الثنا افضل از نماز
نمیباشد و در حدیث دیگر است که هیچ وقتی از اوقات نماز داخل نمیشود مگر اینکه ملکی ندا میکند
خلق خطاب میکند که ایها الناس قوموا [illegible]

مبحث سیم در کمیت نمازهای شبانه روزی [illegible] در سفر بجا آورد از نماز واجبی و مستحبی [illegible]
[illegible] بجا آورد و علما [illegible] در بیان ماهیت سفر [illegible]
[illegible] سفر در لغت [illegible] عبارت است از [illegible]
[illegible] که شخص [illegible] از وطن [illegible] شخص [illegible] از وطن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] نمازهای [illegible] در سفر [illegible]
[illegible] نمازهای چهار رکعتی [illegible] در رکعتی بجا آورد [illegible]
[illegible] دو رکعتی [illegible] در سفر و حضر [illegible]
[illegible] نمازهای چهار رکعتی [illegible] از نماز ظهر و عصر و عشا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] در رکعتی [illegible] چهار رکعتی [illegible] ساقط است [illegible] ظهر و عصر [illegible]
رکعت است [illegible] ساقط [illegible]
[illegible]
[illegible] ساقط میشود در سفر [illegible]
[illegible] بجا آوردن [illegible] آسان است بجا آوردن [illegible]
[illegible] بجا آورد [illegible]
[illegible]
[illegible] ساقط میشود در سفر [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

تمام [illegible] متعارف [illegible] فی بین [illegible] الارض [illegible]

هر [illegible] مسافر سوی [illegible] و [illegible] لازم است برای قصر کردن [illegible]

قصر کردن [illegible]

[illegible] باشد [illegible] در رفتن [illegible]

گشتن هر یک [illegible] باشد [illegible] در حال [illegible] بکند [illegible] روز [illegible]

[illegible] که بوده باشد [illegible] است که [illegible] قصرها [illegible]

در قسم اول مشهور و معروف در میان [illegible] قصر است و بعضی رفته‌اند [illegible]

میان قصر و تمام و در قسم دوم [illegible] بعضی رفته‌اند [illegible]

[illegible] است [illegible] و بعضی دیگر رفته‌اند [illegible] قصر و تمام [illegible]

مقام این است [illegible] شخص [illegible] روز [illegible]

[illegible] در [illegible] شب [illegible] باشد

[illegible] در [illegible] این ساعات [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

واجب باشد و [illegible] در میان قصر و تمام [illegible]

[illegible] میان [illegible] از [illegible]

[illegible] قصر [illegible] است [illegible]

باشد [illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] مسافت [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible]

نه در ترتیب پس اگر تعلیلی کرده باشد یا نیت قصر کرده و معنی است [illegible]

[illegible] است که مسافر قصد [illegible] که از قصد داشته باشد پس

هرگاه شخص قصد مسافتی [illegible] قصد [illegible]

[illegible]

هم قصد مسافت نموده باشد و معنی است در این صورت قصر کردن و هم صحیح است

حکم هرگاه بعد از [illegible] مسافتی [illegible] قصد نکند [illegible]

[illegible]

که در این مقدار از مسافت که طی کرده [illegible] باید تمام بکند یا [illegible]

و نماز را قصر بجا آورده و هم [illegible] مسافت نرسد و تمام بکند اگر [illegible] مسافت نرسد

با تفصیل است در مسئله که اگر [illegible] مسافت برگشتن [illegible] مسافت [illegible]

بکند اول زمان و اگر [illegible] باشد [illegible]

و مسافتی [illegible] هرگاه [illegible] مسافت [illegible] مثل اگر چهار فرسخ [illegible]

[illegible]

پس هرگاه شخصی [illegible]

[illegible]

سبب رجوع از [illegible] ... نماز [illegible] ...

[illegible] ... مسافت [illegible] ...

و اگر [illegible] مسافت شرعی [illegible] قصد اقامه [illegible] ...

بلکه [illegible] نماز را قصر بکند [illegible] اقامه [illegible] ...

اقامه ده روز [illegible] ...

نماز را تمام بکند تا کسی نیت اقامه ده روز را بکند در جائی [illegible] ...

[illegible] نماز را بایست [illegible] تمام بکند [illegible] ...

[illegible]

[illegible]

بکند و خطا در نها کند نماز را باید تمام کند و مصاحبت از برای او مقصر کردن [illegible]

خسارت رسیده باشد و اگر این شکار از برای قوت عیال باشد [illegible]

که مباح است در این صورت بایست نماز را قصر کند و اگر از برای تجارت و استنفاع بوده

بوده باشد میان علما خلاف است که موجب قصر باشد [illegible]

اصحاب رفته اند باینکه روزه را بایست بخورد و نماز را تمام کند [illegible]

باینکه بایست نماز را هم قصر بکند [illegible]

[illegible]

و معاد و رضا [illegible] و اذان [illegible]

[illegible]

شروط دوازدهم آنست که شخص نماز جماعت [illegible] باشد [illegible] جاهل بوده باشد [illegible]

خارج وقت و حق [illegible] است [illegible]

اگر [illegible] نماز جاهل [illegible] مقتدی باشند [illegible]

با جاهل [illegible] اگر کسی [illegible] اعاده کند در وقت و قضا [illegible] در خارج وقت [illegible]

[illegible]

شرع سیم در احکام متعلقه به جماعت است [illegible] شخص [illegible]

خود وقار [illegible] کرده [illegible] بوده باشند [illegible]

اظهار است که واجب است که نماز [illegible] بعد آن [illegible]

حال او است [illegible] وقتی که [illegible] متعلق میگیرد [illegible] است [illegible]

در [illegible] باشد و وقت [illegible] باشد [illegible]

[illegible] در صورت اولی [illegible]

[illegible] و در صورت ثانیه تمام [illegible] وقت [illegible]

[illegible] در رکوع و [illegible] در رکوع [illegible]

مثل قول [illegible] در رکوع و [illegible] و اگر شخص [illegible]

[illegible] اگر [illegible]

[illegible] سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین فی الامور [illegible]

بحث چهارم در کیفیت نماز جماعت است که جماعت کرده میشود در حضر و سفر [illegible] متعلق باو است

از احکام و شرایط ثانیه در تشریع [illegible] با امام و ماموم [illegible] و در این بحث [illegible]

[illegible] است [illegible] در فضایل و معالی است که رسیده است در [illegible] تا جماعت [illegible]

اعظم و اوکد سنن [illegible] است و ثواب و فضیلت [illegible]

[illegible] مضاعف [illegible]

[illegible] است که [illegible] است قدری از تمام [illegible]

ذکر میشود در اینجا که بلکه تنبیه حاصل شود [illegible]

ایشان [illegible] است [illegible] در دنیا و آخرت [illegible] در حدیث نبوی [illegible]

شده است که [illegible] ای [illegible] کسی که دوست [illegible] جماعت [illegible]

[illegible] در حدیث [illegible] است که [illegible]

[illegible] است که در [illegible] است و [illegible] جماعت [illegible]

حدیث دیگر است که ادراک [illegible] تکبیرة الاحرام را با امام بهتر است از دنیا و [illegible]

و در حدیث دیگر است که شخصی فوت شده [illegible] تکبیرة الاحرام نماز جماعت [illegible]

[illegible] در [illegible] خدمت [illegible] و عرض کرد یا رسول الله تحقیق فوت شد از من تکبیر

الافتتاح در نماز جماعت [illegible]

در جواب [illegible] هر کس [illegible] است جمیع [illegible]

[illegible] فضیلت [illegible] و در حدیث نبوی [illegible] است که [illegible] جماعت فضیلت دارد [illegible]

[illegible] درجه و در حدیث صحیح [illegible] حضرت امام جعفر صادق [illegible] است که [illegible]

در جماعت زیادتی دارد [illegible] و [illegible] درجه [illegible]

و در حدیث دیگر است [illegible] حضرت امام محمد باقر [illegible] که فضل نماز جماعت [illegible] نماز شخص [illegible]

درجه در بهشت و در حدیث دیگر است از حضرت رسالت‌پناه که فرمودند فضل جماعت بر نماز تنها
دو هزار رکعت است و در حدیث دیگر از آنجناب که فرمودند مضمونش که حاصل آن اینست که نماز
واجب را جماعت کردن افضل است از آنکه منفرد بکند او را در مسجد کوفه [illegible] که از ...
از این حدیث این است که نماز جماعت افضل است از هزار نماز منفرد مگر آنکه در حدیث وارد شده
است که نماز در مسجد کوفه معادل هزار نماز است و نماز جماعت هم که افضل شد از نماز مسجد کوفه
پس نماز جماعت افضل شد از هزار نماز در غیر آن و در حدیث نبوی دیگر است که فرمودند نماز
کردن مرد در جماعت بهتر است از نماز کردن او در خانه‌اش چهل سال یعنی سالی عرض کرد از روی
تعجب یا رسول الله نماز یک روز چنین است فرمودند که نماز یک روز چنین است و در حدیث نبوی
دیگر است که هر کس که برود بسوی مسجدی که طلب بکند در آن جماعت را پیاده شد از برای او به
هر گامی که بردارد هفتاد هزار حسنه و بلند میکند از برای او از درجات مثل آن را پس اگر
بمیرد و او بر این حال باشد موکل میکند حق تعالی به او هفتاد هزار ملک را که دیدن کنند
او را در قبرش و بشارت دهند او را و مونس شوند او را در وحدت او و استغفار کنند از
برای او تا آنکه برانگیخته شود در قیامت و در حدیث نبوی دیگر وارد شده است که هر که
بیاید بسوی نمازهای پنجگانه را با جماعت پس گمان ببرید با او هر چیز نیکی را این نماز کارهای او خیر
خواهد شد و در حدیث نبوی دیگر است که فرمودند که بدرستیکه صفوف امت من در زمین
مثل صفوف ملائکه‌اند در آسمان و یک رکعت نماز جماعت برابر است با بیست و چهار رکعت
که هر رکعتی نزد حق تعالی محبوب‌تر باشد از عبادت چهل سال و در روزی که حق تعالی اولین
و آخرین را برای حساب جمع نماید هر که قدم بسوی نماز جماعت برداشته باشد [illegible]
قیامت را بر او آسان کند و او را به بهشت رساند و در حدیث نبوی دیگر است که فرمودند که
هر کس نماز صبح را با جماعت بگذارد و بعد از آن بنشیند به تعقیب و ذکر بکند حق تعالی او را تا

آنکه طلوع بکند آفتاب خواهد بود از برای او در بهشت جنة الفردوس هفتاد درجه
که بعد ما بین هر دو درجه هفتاد سال راه باشد بدویدن اسب [illegible] و هر کسی
که نماز ظهر را در جماعت بکند خواهد بود از برای او در جنات عدن پنجاه درجه که بعد ما بین
هر دو درجه مثل دویدن اسب [illegible] است پنجاه سال راه و هر کسی که نماز عصر را در جماعت
بکند خواهد بود از برای او مثل اجر هشت نفر از اولاد اسمعیل که هر یک از ایشان صاحب
خانه باشند که آزاد کند ایشان را و هر کسی که نماز مغرب را در جماعت بکند خواهد بود از برای
او مثل حج مبرور و عمره مقبوله و هر کسی که نماز خفتن را بکند در جماعت خواهد بود از برای او مثل
بپا داشتن شب قدر [illegible]

بوده باشند [illegible] از حیثیت [illegible] نماز و کثرت جماعت و اختلاف
مراتب امام و ماموم و اختلاف مساجد در فضیلت و [illegible] از [illegible]
که [illegible] میشود [illegible] روایت و [illegible]
که تمام [illegible] و [illegible] نظر [illegible] کردن [illegible] در مسجد [illegible] هرگاه [illegible] نماز
جماعت در مسجد [illegible] و ماموم یک نفر بوده باشد [illegible] نماز [illegible]
با صد و پنجاه نماز و هرگاه دو نفر بوده باشند ماموم [illegible] با ... و بیست هزار نماز و هرگاه سه نفر بوده
باشند ماموم [illegible] معادل با چهارصد هزار نماز و هرگاه چهار نفر باشند [illegible] معادل با
[illegible] صد هزار نماز و هرگاه پنج نفر بوده باشند [illegible] معادل با هزار هزار و ششصد هزار
و هرگاه شش نفر بوده باشند [illegible] معادل با سه هزار هزار و دویست هزار نماز و هرگاه
هفت نفر بوده باشند [illegible] معادل با شش هزار هزار و چهارصد هزار نماز و هرگاه هشت نفر
بوده باشند [illegible] معادل با دوازده هزار هزار و هشتصد هزار نماز و هرگاه نه نفر بوده باشند
[illegible] با بیست و پنج هزار هزار و ششصد هزار نماز و هرگاه ده نفر بوده باشند [illegible] معادل
با [illegible] هزار هزار و دویست هزار نماز و هرگاه از ده نفر بگذرد [illegible]
[illegible] و هرگاه مکان [illegible] مسجد [illegible] ماموم یک نفر [illegible] امام [illegible]
[illegible] هزار و هشتصد یا دو هزار یا [illegible] صد نماز با اختلاف روایتی که وارد شده است
[illegible] فضیلت نماز [illegible] در مسجد جامع و هرگاه ماموم [illegible]
[illegible] در بیان [illegible] در بیان اخبار [illegible] که وارد شده است در بیان
[illegible] نماز جماعت [illegible] اخبار [illegible] در این مقام [illegible]
است [illegible] ترک بکند نماز جماعت را در جائی که [illegible] باشد از این نماز [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر است که نماز [illegible] از برای کسیکه نماز بکند

در مسجد [illegible] و در حدیث دیگر است که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند [illegible]
مسجد حاضر نشوند [illegible] و در حدیث دیگر است از حضرت امام جعفر صادق [illegible]
فرمودند [illegible] جماعتی [illegible] رسول خدا [illegible] کناره میکردند از نماز [illegible]
پس فرمودند رسول خدا [illegible] نزدیک است [illegible] میکنند نماز در مسجد را
امر بکنم که [illegible] در خانه‌های ایشان [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] خانه‌های ایشان و در حدیث دیگر است [illegible] که قصد کردند رسول خدا
[illegible] اینکه [illegible] نماز [illegible] در منازل خود [illegible] حاضر نمیشدند
جماعت را پس [illegible] شخص کوری [illegible] آنجناب [illegible] یا رسول الله
[illegible] بسیار [illegible] جماعت [illegible]
جماعت [illegible] پس فرمودند رسول خدا [illegible] از منزل خود تا مسجد [illegible]
حاضر شو [illegible] جماعت [illegible] و در حدیث دیگر است از رسول خدا [illegible]
[illegible] جماعت [illegible] پس ثابت است از برای او لعنت خدا
و جمیع ملائکه و جمیع خلق پس اگر این شخص [illegible]
[illegible] کسی [illegible] از برای [illegible] باشید [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر است [illegible]
که فرمودند [illegible] جبرئیل و میکائیل و اسرافیل [illegible] با هر یک هفتاد هزار ملک
پس گفتند [illegible] سلام میرساند [illegible] اینکه هر کسی
[illegible] نماز جماعت [illegible] بهشت [illegible]
[illegible] و [illegible]

جماعت در نزد خدا ملعون است و در نزد ملائکه نیز ملعون است و تحقیق لعنت کرده آن را خداوند و در توریه و انجیل و در نزد و زبان و ترک کننده جماعت صبح میکنند و شام میکنند در لعنت خدا و بهم مستجاب نخواهد من از برای تارک جماعت دعای او را و ناز میکنم من او را
بعضی و ایشان بهود امت نمیباشند و اگر بعضی نشوند پس عیادت نکنید ایشان را
و اگر بمیرند پس حاضر نشوید جنازه ایشان را و راهی نبود بود و روی زمین بغض او را از تارک جماعت در نزد من از خلق کسی با عدم تحقیق من امر کردم هر صاحب نفسی را که
صاحب وجه را اینکه لعنت بکند بر تارک جماعت و این تارک جماعت بدتر میباشد از شارب
الخمر و از کسیکه احتکار میکند و از کسی که در رفع عوض است و خوردن ربا است و تارک جماعت
نیست از برای او در بهشت نصیبی و بدتر میباشد از باغی که مباشر باشد از شارب
فتنه و عصمت که مبارزت باشد از آن بوری که بهمانجا بلکه است از شهادت و روز یا عدم
هر کس که بمیرد و مفارقت کرده باشد نماز جماعت را داخل میکند او را خدا و سزاوار هر آتش جهنم
پس معلوم شد که مذمت بر ترک نماز جماعت بسیار است [illegible] و نیست که این
مذمتها مخصوص کسانی باشد که تارک نماز جماعت [illegible] بوده اند چرا که هر گاه حکم بود
میبایست از طرف خدا بعنوان خاص شهرت شده باشد و این کلام احدی شهره است
اینها از اینها پس معلوم شد که این مذمتها اگر هست در عهد [illegible]
هست و باید کسی [illegible] بکند که خواهد داخل شد در [illegible]
شهرت شود [illegible] ما هست که اینجا ذکر شد در دو مقام کفایت
بکند از برای بیرون کردن [illegible] که بسیار زیاد از اینجا مناسب
کتاب بود ذکر شد خدا کند که مع ذلک بعضی ایشان میفهمند و عمل نمایند
از خواب غفلت بیرون بیاورد ایشان را رب العالمین فصل اول در بیان حکم این نماز است

امید داشته باشد نیز حالی داشته باشد که خواهش کند که برهان موقوف وارد شوند و با او عمل تشنیع کنند

هو الموفق والمعین

بدانکه نماز جماعت در نمازها یکه ثابت شده است و از مذهب شیعه مختلف است در بعضی
از اینها بر هم وجوب است و در بعضی بیستی و در بعضی از اینها بر هم استحباب است و تاکید
و در بعضی از اینها بر هم حرمت است که [illegible] جماعت معاصیت خواهد بود [illegible]
[illegible] است [illegible] اما آن مواضعیکه واجب است
در اینها پس آن [illegible] هر گاه شرایط که گذشت در نماز جمعه جمع شود [illegible]
کسیکه جمعه و درست باشد تمام اینها یا بعض از اینها [illegible]
[illegible] بر تارک حال او واجب است
[illegible] باشد که نماز جماعت [illegible] از برای او [illegible]
نماز بغیر از طریق و اگر [illegible] باشد صحیح کردن [illegible]
[illegible] امتثال امر الهی حاصل نشود [illegible]
شخص جنبی شخصی است که ممکن نیست از او صحیح کردن قرائت و صحیح کردن او نیست مگر
او پس از برای او لازم شیئ حاضر شدن جماعت بلکه میبایست این شخص از خود در اینجا بیاید
هر چند یکه ممکن است از او [illegible] و لکن باز اگر شود که جماعت کرده شود [illegible]
مستحب است و از [illegible] بوده است و لکن این جا [illegible] مشهور و معروف در میان [illegible]
و بعضی از بزرگان دین از متاخرین [illegible] اند به وجوب آن و بعضی کلام شده اند [illegible]
مبسوطی در آن تصنیف نموده اند و جمعی از [illegible] رفته اند به وجوب آن بوجوب کفایی و جمعی
از فقها بلکه رفته اند بوجوب آن بوجوب عینی و بعضی بلکه از اینها رفته بر اینکه جماعت شرط است در نماز
و روز [illegible] است نماز و لکن [illegible] ایشان اما [illegible] در این است چنانکه
بعضی دعوی کرده اند [illegible] بکند [illegible] باظهور به وجوب آن در جمیع نمازهای
یومیه با شرطیت در اینجا [illegible] که اصلا دلالت ندارد بر اینها [illegible] بکند باید

عمل بشود بر نقیرکه از طرف حاکم بوده است که ضمانی نموده اند ائمه اطهار علیهم السلام با آنکه آن جهت
بالغ رشد بود استحباب حتی نموده با آنکه ترک [illegible] عدم اراده [illegible]
با جماعت از خوبی بوده است چنانچه نمود [illegible] جاهای [illegible] ترک جماعت شوند [illegible]
و با بیاری [illegible] بعضی عدول از خصوص در میان عوام [illegible] از بابی
جایز بودن غیبت ایشان بدون دست و بانی و واجب باشد بر خلق حاضر بیرون کردن
دور کردن ایشان و سوزانیدن اینها و خراب کردن خانهای ایشان و جایز نباشد
همسایه شدن ایشان و با ایشان چیز خوردن و آشامیدن و مشورت کردن و نکاح کردن
و فاسد باشد نمازهای ایشان بمجرد همین ترک و [illegible] از آنچه اشاره شد با خبار
اخبار گذشته [illegible] از آنچه مذکور است در اخبار [illegible] در باب [illegible]
است با او [illegible] و [illegible] مستقر در [illegible] است [illegible]
معلوم شد که جماعت در نمازهای یومیه واجب [illegible] کفایی [illegible]
شرط است در اینها مثل وضو و طهارت که اگر اخلال بآن بشود [illegible] باطل میشود و نیز
واجب است از واجبات از مثل تکبیرة الاحرام و سلام [illegible] تمام اصول [illegible]
عالم بعلم [illegible] خالی از تعارض و دلیل بر مطلب با اعتضاد [illegible] با اجماع
منقول در [illegible] باشد [illegible] در مسئله و اجماع محقق
بلکه [illegible] میباشد [illegible]
معلوم شد که میباید نماز استحباب باشد در جمیع نمازهای یومیه و لکن [illegible]
از مستحبات متعارف بلکه از مستحبات اکیده و در نهایت تاکید [illegible]
احتیاط باز در عدم ترک است و بخصوص از برای اشخاصیکه سهل باشد حضور از برای
اینها و [illegible] است در این نمازها در میان [illegible] اقسام اینها از نماز حضری و سفری

و اما [illegible] از برای [illegible] نمازهای قضائی و فرقی نیست در قضا هم در میان آنکه قضا از
خود شخص بوده باشد یا از غیر باشد که اجاره داده باشد و [illegible] با اینها و هر گاه نماز قضا
متبرعی بوده باشد با قضا احتیاط استحبابی بر وجوب عمل [illegible] است و لکن جواز آن
در اینها خالی از قوت نیست [illegible]
[illegible] و کسوف و خسوف و زلزله و غیر اینها [illegible] هر یک ادائی بوده باشد یا قضائی
[illegible] زمین [illegible] و شرایط [illegible] هر چند احتیاط در ترک
کردن است در این صورت [illegible] و نمازهای مستحبی که واجب شده باشد
شخص بنذر یا شبه آن و در رکعت نماز طواف است و نمازهای احتیاطی است که باید کسی
بجا بیاورد به سهو و ضرب و لکن احتیاط در این ترک است نظر به شکی که کرده اند در اینها
بعض از بزرگان دین و نمازهای احتیاطی است که واجب شده بر شخص از جهت خللی در
رکعات و لکن احتیاط در اینها ترک است هر چند جواز اقتدا [illegible]
در موارد بسیار اول اما مت کردن مسافر است از برای غیر مسافر و در نماز [illegible]
در نمازهای چهار رکعتی دوم اما مت کردن [illegible] از برای مسافر [illegible] اقتدا
غیر مسافر است بمسافر [illegible] اقتدا کردن مسافر است بغیر مسافر [illegible]
[illegible] مکروه است از برای [illegible] امامت کردن
[illegible]
استن از این صورت [illegible]
[illegible] نمازهای یومیه [illegible]
[illegible] نماز مسافر [illegible]
[illegible] از برای [illegible] هر چند [illegible]

داراب [illegible] باز مستحب است جماعت در اینها نماز

اقتدا نکند چه اقتضای نماز را تمام نکند بعد از مفارقت امام و سایر [illegible] هرگاه بخواهد در نماز فریضه
خود را یکی [illegible] امام اقتدا نکند [illegible] هرگاه امام حاضر شد و ماموم [illegible] مستحب است
از برای امام آنکه ابتدا نکند [illegible] ماموم از برای سلام کردن او [illegible] که سلام را
گفت امام [illegible] نماز خود را تمام کند هشتم امامت کردن صاحب [illegible] است [illegible]
[illegible] باشد [illegible] باشد و اما هرگاه [illegible] است
[illegible] و حرام است اقتدا کردن به او مگر آنکه ماموم هم [illegible] باشد [illegible]
است از برای امامت کردن شخص [illegible] است از برای شخص وضو گیرنده دهم امامت کردن
شخص کور است [illegible] صحیح اگر در صحرا باشد هرگاه کسی [illegible] باشد [illegible]
و او را [illegible] حاصل شود [illegible] باشد در اینجا [illegible]
مکروه [illegible] در این صورت امامت کردن او یازدهم امامت کردن [illegible] است [illegible]
خود را [illegible] روایت وارده در مقام است [illegible]
[illegible] چونکه ضعف [illegible]
که [illegible] کراهت [illegible] دوازدهم امامت کردن [illegible] از برای مطلق [illegible]
[illegible] باشد [illegible] حرام است [illegible] امامت کردن مگر آنکه [illegible]
[illegible] باشد [illegible] سیزدهم امامت کردن [illegible]
است هرچند [illegible] چهاردهم امامت کردن [illegible] کننده است هرچند
[illegible] پانزدهم امامت کردن [illegible] کننده است هرچند [illegible]
باشد [illegible] شانزدهم امامت کردن شخص [illegible] است [illegible]
از برای [illegible] حرام است [illegible] ماه رمضان بوده
باشد [illegible] امامت کردن [illegible] استثناء

[illegible]

هفدهم امامت کردن [illegible]

[illegible]

که جایز است [illegible] اتفاقا [illegible] امامت کردن در نماز [illegible] است [illegible] ضعف
است [illegible]
است [illegible]
جماعت حاصل میشود [illegible] صورت اول آنست که ماموم داخل در نماز شود بعد از فراغ امام
از [illegible] قبل از [illegible] دوم آنست که ماموم داخل در نماز شود در اثنای قرائت
[illegible] سوم آنست که داخل در نماز شود بعد از فراغ امام از قرائت [illegible]
تکبیر و رکوع [illegible] چهارم آنست که داخل شود در
نماز بعد از فراغ امام از تکبیر و رکوع [illegible] آنست
که ماموم داخل در نماز [illegible] شود در حالتیکه امام داخل در رکوع شده باشد [illegible]
ذکر واجب [illegible] آنست که ماموم داخل در رکوع [illegible] بعد از فراغ امام از ذکر واجب
[illegible] در حال اشتغال امام [illegible] ماموم [illegible] واجب [illegible] حال اشتغال امام [illegible]
[illegible] هفتم آنست که ماموم داخل [illegible] در حالتیکه امام در رکوع بوده باشد [illegible]
[illegible] هشتم آنست که
ماموم در رکوع [illegible] در حالتیکه امام در رکوع بوده [illegible] باشد [illegible]
ذکر [illegible] نهم آنست که ماموم [illegible]
در رکوع [illegible] در حالتیکه امام [illegible]
[illegible] دهم آنست که ماموم [illegible] امام [illegible] در رکوع [illegible]
[illegible] اکثر [illegible] در صورت [illegible] ماموم [illegible]
[illegible] است [illegible] صورت [illegible] بوده باشد [illegible]

کرده و اگر رکعت آخر امام بوده باشد چون امام سلام [illegible] نماز را نیت کند و تکبیرة الاحرام
گوید [illegible] تکبیرة الاحرام [illegible] سجدتین بجا آورد
عمل سنتی است که [illegible] جهت [illegible] نیت
[illegible] تکبیرة الاحرام [illegible] سجده [illegible]
[illegible] نیت کند و تکبیرة الاحرام [illegible]
نیت و تکبیرة الاحرام [illegible] رکعت از امام [illegible]
باشد [illegible] با امام [illegible] از امام بوده باشد
[illegible]
[illegible] آنست که [illegible] تکبیرة الاحرام [illegible]
[illegible] سجده [illegible]
[illegible] ماموم در حالی باشد که امام در سجده [illegible] باشد [illegible]
[illegible]
[illegible] ماموم در حالی باشد که امام [illegible] مشغول
[illegible] در این صورت [illegible] تکبیرة الاحرام [illegible]
[illegible] با امام [illegible]
[illegible] امام سلام [illegible]
[illegible] تکبیرة الاحرام [illegible]
با امام [illegible] نماز را [illegible] نیت و تکبیر [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] ماموم [illegible] امام [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] ماموم [illegible] امام [illegible]
[illegible] امام [illegible] باشد [illegible]
[illegible] ماموم [illegible]
[illegible] تکبیرة الاحرام [illegible]
[illegible] رکوع [illegible] در حال رکوع [illegible]
[illegible] در حالیکه امام رکوع را تمام کند [illegible]
خود را [illegible]
[illegible] باشد [illegible] هرچند [illegible]
[illegible] مشغول ذکر
باشد [illegible] ماموم در حالی باشد
که امام سر از رکوع برداشته باشد و به سجود نرفته باشد در این صورت [illegible]
[illegible] رکعت [illegible] اقتدا کند [illegible]
[illegible] تکبیرة الاحرام
[illegible] با امام [illegible] رکعت از امام [illegible] باشد [illegible] امام
[illegible] تکبیرة الاحرام [illegible]

و از شرایط چند چیز است اول آنست که امام بالغ باشد پس هرگاه مکلف نشده باشد نمیتواند
که امامت بکند با بالغ هر چند که ممیز باشد [illegible] ممیز مراهق باشد چه غیر مراهق [illegible]
هرگاه غیر بالغ مراهق [illegible] عاقل باشد میتواند امامت بکند ضعیف است و هم چنین [illegible]
هرگاه امام و ماموم هر دو [illegible] غیر بالغ مراهق [illegible] عاقل بوده باشند در این صورت [illegible]
امام با جماعت بکنند دوم آنست که امام عاقل باشد پس هرگاه مجنون بوده باشد و جنون
او دائمی باشد بی اشکال صحیح نیست امامت او و اما هرگاه جنون او دائمی نباشد بلکه در بعضی از
اوقات چنین باشد و در بعضی از اوقات عاقل باشد پس در آن خلاف است و مشهور در این صورت
جواز است و از خالی از قوت نیست ولکن میباشد مکروه و هرگاه جنون عارض امام شود
در بین نماز پس آن باطل است از امام و از ماموم هم صحیح نیست دیگر اقتدا کردن و بعضی قائل
شده اند باینکه باید نیت انفراد بکند و هرگاه عقل امام برگردد [illegible] نماز را
تمام [illegible] جاری نیست پس صحیح است امامت کردن او ولکن احتیاط در ترک آنست
سیم آنست که امام مسلم و مومن اثنی عشری باشد پس هرگاه امام چنین نباشد و کافر حربی
باشد یا از اهل ذمه باشد یا مرتد باشد یا سنی باشد چنانکه بسیار [illegible] از مذهب
[illegible] هست پس در این صورت صحیح نیست امامت کردن [illegible] از برای ماموم
و نیز اقتدا کردن ایشان با او چونکه صحیح نیست [illegible] از این اصناف هر چند [illegible]
از برای [illegible] باشد [illegible] از برای ایشان نیست هرگاه [illegible] باشند [illegible]
من باب التفضل [illegible] و ولکن مع ذلک [illegible] داخل شدن در
نماز جماعت [illegible] در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق [illegible] که نماز
بکند با ایشان در صف اول میباشد مثل کسیکه نماز کرده باشد با پیغمبر [illegible] در صف
اول و در حدیث دیگر است [illegible] کسیکه حاضر شود [illegible] ایشان را [illegible] از برای او [illegible]

نماز

نماز کرده باشد [illegible] داخل میشود در نمازهای ایشان [illegible] از برای [illegible]
جمیع گناهان خودش را [illegible] باید با حسنات ایشان و از برای حاضر شدن [illegible]
[illegible] اول آنست که [illegible]
[illegible] و بعد از آن [illegible] باید [illegible] ایشان را [illegible]
[illegible] و در این صورت [illegible] بقصد [illegible]
[illegible] اول [illegible] آنست که [illegible]
[illegible] قرائت [illegible] اگر [illegible]
از برای [illegible] اگر [illegible] از [illegible]
[illegible] اگر [illegible] باید اکتفا [illegible]
این صورت [illegible] اگر [illegible] باید اکتفا بکند
[illegible] الکتاب [illegible] اکتفا [illegible]
[illegible] است [illegible] در این صورت [illegible] کفته اند که در این صورت [illegible]
[illegible] بیاورد [illegible] بعضی کفته اند [illegible]
[illegible] است [illegible] و بعضی کفته اند [illegible]
[illegible] اول صحیح [illegible]
[illegible] در این حال ساقط است [illegible] احوط [illegible]
تمام کردن نماز [illegible] از قرائت [illegible] امام [illegible]
[illegible] آنست که [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] رکوع و سجود [illegible]
[illegible] باشد [illegible]

[illegible] از آن شده باشد [illegible] باشد که [illegible] نماز ایشان [illegible]
[illegible] اصلا [illegible] اختیار کردن اول [illegible]
[illegible] و هرگاه [illegible] در این صورت اختیار کردن [illegible]
[illegible] شروط [illegible] جماعت [illegible]
باشد [illegible] امام [illegible] مومن اثنی عشری [illegible] اعتقاد [illegible]
باشد و هرگاه [illegible] اثنی عشری [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] در جمیع امور [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد هرگاه جایز نباشد [illegible]
که امام [illegible] باشد [illegible] معلوم باشد [illegible] بودن [illegible]
[illegible] امامت کردن [illegible] از برای [illegible]
[illegible] احتیاط در ترک است و هرگاه [illegible]
[illegible] شرایط [illegible] کذشت [illegible] است امامت
[illegible] اقتدا کردن [illegible] آنست که امام [illegible]
باشد [illegible] ماموم [illegible] بوده باشند [illegible]
[illegible] از برای [illegible] امامت کردن [illegible]
[illegible] امام [illegible] باشد [illegible]
[illegible] امامت کردن [illegible] از برای [illegible]
[illegible] امام [illegible] ماموم [illegible]

جایز نیست شخصی که [illegible] اقتدا کند و هرگاه اقتدا کند نماز او باطل
است [illegible] که امام و ماموم هر دو [illegible] باشند [illegible] هرگاه [illegible]
صاحبان امراض [illegible] قائل شده اند باینکه جایز است اقتدا
[illegible] هم ضعیف است [illegible] آنست که امام [illegible]
[illegible] باشد [illegible] امام کسی باشد که [illegible]
باشد یا بعض [illegible] باینکه [illegible]
[illegible] امام [illegible] بوده باشد پس صحیح نیست امامت کردن [illegible]
مثل [illegible] و هم چنین است حال [illegible] ادا [illegible]
[illegible] و هرگاه [illegible] امامت بکنند [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد امام [illegible]
[illegible] با اقتدا [illegible] باشد [illegible]
[illegible] و هرگاه امام [illegible] ماموم [illegible] باشد [illegible]
[illegible] امام [illegible] باشد و ماموم [illegible]
جایز نیست [illegible] اقتدا کردن [illegible]
[illegible] امام [illegible] ماموم [illegible]
[illegible] امام [illegible]
[illegible] در این صورت [illegible] اول [illegible]
[illegible] صحیح [illegible] امام [illegible]

کسانیکه نمی‌توانند قرائت را بخوانند و اگر خواهند امامت بکنند از برای کسانیکه ایشان هم [illegible] بوده باشند

و نتوانند اقتدا بکنند بکسی که بتواند قرائت بکند صحیح است امامت ایشان یازدهم آنست که مبتلا بمرض

جذام و برص نباشد [illegible] اما جماعتی که مرض را داشته باشند [illegible]

[illegible] اگر جماعتی باشند [illegible] امام بوده باشند صحیح است [illegible]

اقتدا کردن [illegible] دوازدهم [illegible]

آنست که امام [illegible] باشد [illegible]

[illegible] امام [illegible] باشد

احتیاط در این است که امامت نشود در جماعت [illegible]

ایشان [illegible] در جماعت [illegible] امامت است [illegible]

[illegible] امامت کردن [illegible] اشخاصی که [illegible]

باشند [illegible] احتیاط [illegible] آنست که امام [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] آنست که امام [illegible]

[illegible] امامت بکنند اشخاص [illegible]

[illegible] امامت [illegible]

ششم آنست که امام عادل باشد پس اگر فاسق باشد یا مجهول الحال باشد صحیح نیست
اقتدا کردن باو [illegible] عدالت علی خلاف است در میان علما [illegible]
[illegible] آنست که عبارتست از کیفیت نفسانی که [illegible]
نفس که باعث [illegible] تقوی [illegible] گناهان کبایر [illegible]
[illegible]
[illegible]
ازینقبیل آنشخص باید [illegible] اهل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
که گناهان [illegible]
بار [illegible] باشد [illegible]

پنجم آنست که امام [illegible]

[illegible]

قادح نیست در عدالت ترک مستحبات [illegible] مروت [illegible] بوده باشد [illegible]
صاحب [illegible] مکروه [illegible] باشد و علی خلاف است در میان علما [illegible]
عدالت است و عدالت [illegible] میشود [illegible]
ظاهر [illegible] صلاح است کفایت میکند [illegible] که از حدیث صحیح [illegible]
مستفاد میشود که [illegible] روایت کرده است از حضرت صادق ع که سوال کرد [illegible]
چه چیز شناخته میشود عدالت مرد در میان مسلمانان [illegible] شهادت او [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] است که [illegible]
[illegible] است [illegible]
میشود [illegible] است تفتیش و تفحص [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] معصیت [illegible] میشود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

خلاف هم در این مسئله از بسیاری هم کرده اند برای آنکه بنا نیست جامعت در میان آنها
مثل رده ها حایل باشد و این قول ضعیف است و مخالف است با آنچه گذشت [illegible]
[illegible]
و شرط است [illegible] امام و ماموم [illegible]
[illegible]

[illegible]

ولکن احوط این است که [illegible] صف اول تا صف [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

جایی باشد که هیچ عضوی از اعضای او مقدم بر هیچ عضوی از اعضای امام [illegible] نشود سیوم آنست که امام یکی باشد پس اگر متعدد باشند و ماموم قصد اقتدا به هر دو بکند نماز او باطل است بدون اشکال [illegible] هم آنست که ماموم تعیین بکند [illegible] در [illegible] هر گاه [illegible] شروع در نماز بکند نماز او باطل است [illegible] ششم آنست که [illegible]

[illegible] باشد و اگر ماموم اقتدا نماید به امام حاضر و چنین داند که آن امام هم فلان کس است و اول است و بعد معلوم شود که شخص دیگر بوده است [illegible] اینکه آیا نماز ماموم باطل است یا صحیح [illegible]

[illegible] بکنند یعنی نماز [illegible] صحیح است [illegible] باطل است [illegible] از اسباب بطلان آن است [illegible]

[illegible] باشد اختیار [illegible] ماموم [illegible] امام [illegible]

[illegible] امام [illegible] قرائت [illegible] ماموم [illegible]

[illegible]

و هر گاه در رکعت [illegible] ماموی که در بین نماز رسیده است [illegible] آنست که در میان [illegible] ضعیف است و مستحب است که این ماموم در قنوت و تشهد متابعت امام نماید [illegible] ماموم [illegible] مستحب است که [illegible] بنشیند و دستهای خود را [illegible] بگذارد و هر جا که محل تشهد [illegible] واجب [illegible] تشهد را بخواند و با امام ملحق شود و از بعض اخبار بر میآید که در خصوص [illegible] که [illegible] قنوت [illegible] خواند و لیکن حکم به سقوط استحباب خصوصا در جایی که قنوت ماموم بعد از فراغ امام اتفاق افتد مشکل است و بهتر آن است که ماموم صبر کند تا امام سلام بگوید [illegible] پیش از سلام هم [illegible] جایز است و نیت انفراد هم واجب نیست [illegible] ماموم [illegible] مفارقت کردن از امام بدون [illegible] جایز است مفارقت کردن با قصد انفراد و بدون [illegible]

[illegible]

٥٢

[illegible] ماموم [illegible] امام [illegible]

از امام و پیش از امام [illegible] باشد ماموم [illegible] باشد [illegible] بعد [illegible] انفراد [illegible]

در این حال اعتبار [illegible] قصد انفراد [illegible] را اختیار [illegible] و اگر نکرده است [illegible]

[illegible] است [illegible] مفارقت [illegible]

هر گاه این مفارقت در غیر قرائت [illegible] است و اگر در قرائت [illegible] است [illegible] پس هر گاه پیش از قرائت است واجب است بر او قرائت کردن و اگر بعد از قرائت است [illegible] و اگر قنوت در آن رکعت باشد و اگر قنوت باشد [illegible] قنوت را بخواند و [illegible] واجب نیست [illegible] احتیاط [illegible] و اگر در حال قرائت باشد [illegible] است [illegible] مفارقت [illegible]

[illegible] اگر در بین [illegible] مفارقت [illegible]

[illegible] و مشهور [illegible]

[illegible] است [illegible] مفارقت [illegible]

[illegible] جایز است [illegible]

[illegible] که [illegible] است [illegible] اطلاق [illegible] است و شیخ طوسی مرحوم [illegible] اجماع [illegible]

فصل چهارم در واجبات نماز جماعت است [illegible] با رابطه بودن با
شود و واجب است بر ماموم متابعت کردن امام [illegible] از افعال
مثل رکوع و سجود و قیام و قعود باین معنی که [illegible] از امام [illegible]
از امام [illegible]
[illegible] از امام [illegible] اقوال [illegible]
[illegible] است که
که ذکر شد در مسائل [illegible] و در این صورت [illegible]
تابع علما [illegible] است که [illegible] بنابر [illegible]
[illegible] در صورت تابع [illegible] اول [illegible]
در رفع [illegible] افعال در جماعت واجب [illegible]
لازم است در جمیع متابعت کردن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] امام [illegible] تقدم [illegible]
اول است [illegible] در جماعت علما این است که [illegible] الحمد [illegible]
باطل نیست و لازم است که صبر نماید تا امام [illegible] قول را [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لازم است که [illegible]

است [illegible] با امام در رکوع [illegible]
[illegible] است [illegible]
صورت [illegible]
امام را [illegible] در رکعت [illegible] باشد
[illegible] است که [illegible]
[illegible] احتیاط [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible] لازم است [illegible]
ماموم متابعت کردن امام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

متابعت است که [illegible] احتیاط [illegible] است که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
امام [illegible] است [illegible]
[illegible] ماموم [illegible] است که امام [illegible]
[illegible]

[illegible]

فصل پنجم در مستحبات [illegible] نماز جماعت است بدانکه مستحب است در نماز جماعت [illegible]
امور بسیاری اول آنست که صفوف جماعت [illegible] راست [illegible] دوم آنست
که امام باید ماموین را که صفوف را راست کنند سیم آنست که گشاده [illegible] در میان صفوف
باشند [illegible] دیگر [illegible] بایستند چهارم آنست که [illegible]
در صف اول صاحبان علم و عقل بایستند و در صف دوم اشخاص که [illegible] باشند
[illegible] ارحام [illegible] تا آخر صفوف [illegible] از اهل مرتبه کامل در علم و عمل
با عمل بوده باشند در صف پیش بایستند و در صف بعد [illegible] از ایشان
[illegible] بعد از ایشان اطفال بایستند و بعد از ایشان زنان بایستند [illegible]
[illegible] افضل صفوف [illegible] صف اول [illegible] صاحبان علم و عمل [illegible]
[illegible] صفوف پنجم آنست که [illegible]
[illegible] بایستند [illegible] افضل مواضع صفوف بایستند و افضل مواضع صفوف اول [illegible]
امام است [illegible] اول است [illegible]
[illegible] ششم آنست که امام [illegible] بایستند [illegible]
[illegible]
امام شود [illegible] هفتم آنست که ماموم اگر یک نفر بوده باشد [illegible] امام بایستد
[illegible] بایستند و [illegible]
[illegible] آنست که [illegible] امام بایستند [illegible]
[illegible]
[illegible] امام بایستد [illegible]
[illegible] باشند [illegible]
[illegible] هشتم آنست که امام اگر زن بوده باشد و ماموین
بایستند [illegible] زنان [illegible] نهم آنست که امام و ماموین [illegible]
[illegible] امام در میان صف بایستد [illegible] آنست که امام [illegible]
بایستد امام در میان [illegible] ماموین [illegible]
[illegible] در حال رکوع و سجود [illegible]

[illegible] در رکوع بوده باشد و [illegible] که [illegible] تا پایان شود
و جمیع اعضای سجود [illegible] وضع نماید [illegible] مشروط است [illegible]
[illegible] واجب [illegible] سجده کردن [illegible] وضع جبهه
[illegible] احتیاط [illegible]
[illegible]
آنست که ماموین [illegible] قد قامت الصلوة [illegible] که [illegible]
[illegible] حی علی الصلوة [illegible] دوم آنست که امام تکبیرة الاحرام [illegible]
[illegible] آنست که امام [illegible]
[illegible] امام [illegible]
[illegible] الحمد لله رب العالمین [illegible] امام [illegible]
[illegible] آنست که امام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] آنست که امام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

چهارم امامت کردن [illegible] است [illegible]
[illegible] ششم [illegible] کردن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] هفتم امامت کردن [illegible] امامت کردن [illegible]
[illegible] امامت [illegible]
[illegible]
[illegible] امامت کردن [illegible]
[illegible] امامت کردن [illegible]
[illegible] امامت کردن [illegible]
[illegible] امامت کردن [illegible]
امامت کردن [illegible]
[illegible] امام [illegible] ماموین [illegible] امام [illegible]
[illegible] امام [illegible] امامت کردن [illegible]

مسئله چهارم آنکه [illegible] هرگاه [illegible]

[illegible] امامت [illegible] باشند [illegible]

[illegible] امامت [illegible]

آنست که [illegible] امام [illegible]

[illegible] هرگاه [illegible]

۳

[illegible]

باید که کسی [illegible] برکوع [illegible] انتظار [illegible]

[illegible]

[illegible] تا آنکه [illegible] است که امام هرگاه [illegible]

[illegible] انتظار آمدن ایشان [illegible] نماز [illegible]

نهم آنست که امام [illegible]

فارغ شوند [illegible] است که امام [illegible]

[illegible]

که ماموم [illegible] امام را در نمازهای جهریه قرائت [illegible]

[illegible] سبحان الله [illegible]

[illegible] صلوات [illegible]

[illegible]

فصل هفتم در احکام متعلقه بجماعت است بدانکه امام هرگاه [illegible] باید ماموم [illegible]

[illegible]

[illegible] ماموم [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

[illegible] امام [illegible]

[illegible] ماموم [illegible]

[illegible] امام [illegible]

[illegible]

[illegible] امام [illegible]

[illegible]

[illegible] امام [illegible]

[illegible] امام [illegible]

واگر در میان نماز ظاهر شود [illegible]

نماز صحیح است [illegible]

[illegible] اختلاف [illegible]

[illegible] اختلاف در [illegible] نماز [illegible]

[illegible]

[illegible] اختلاف در مسائل اصول [illegible]

[illegible]

[illegible] امام [illegible]

[illegible]

[illegible] امام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سابق است

مبحث هفتم در منافیات نماز

و در آن دو نوع [illegible] است نوع اول در بیان منافیات

منافیات [illegible] و آنها چند چیز است اول [illegible]

[illegible]

[illegible] در حال اختیار پس هر کس در این حال نماز را قطع بکند

[illegible]

پس این [illegible] ساقط است [illegible]

[illegible]

[illegible] مکرر [illegible] با سایر [illegible] احتیاط [illegible]

[illegible]

نماز را باطل است و لکن اثم نیست ... گریه کردن از برای امور دنیویه است اگر چه باشد و اختصاص

... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین فی جمیع الامور

... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین ...

... [illegible]

[illegible]

ان معانی با حضور قلب [illegible]

[illegible]

در نماز دعا کردن [illegible] عظیم [illegible]

[illegible]

رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله [illegible]

[illegible]

و نیکه عطسه کرد دعا بکنند او را و هر وقت که دعا کرد او را ادم جواب او را بدهید و در حدیث دیگر است که
هرگاه عطسه بکند رو به جنوب با بکند او را هر جنبد از پشت جزیره باشد و در حدیث دیگر است که چون
کسی عطسه کند او دعا بکند [illegible]
[illegible]

[illegible]

بنابراین نوع فعل کلام است که این استحباب ثابت از برای عطسه کننده
مؤمن و مسلم هر دو ثابت است با آنکه مخصوص است جمعی بای بعضی
غرض کرده اند در آن ایمان را و این قول خالی از قوة و احتیاط نیست
پس هرگاه عطسه کننده مسلمان باشد نه مؤمن مستحب نیست از برای
آن گفتن این تسمیت و فرق نیست بنابر اقوی و احوط در میان آنکه
آن عطسه کننده از اقارب شخص بوده باشد یعنی به نحو باشد مگر بوده
باشد از اجانب و محل اشکال نیست که این استحباب ها استحباب
کفائی است که فعل بعض مسقط از باقی است یا نیست چنانکه
مستحب عینی خواهد بود بر کل علامه مرحوم در کتاب جهاد از تذکره
و شهید ثانی در تمهید القواعد تصریح فرموده اند هر دو بر اول لکن
آنچه ظاهر میشود از ادله وارده در باب ثانی است بنابر اول فیه
اشهاد در حقیقی است که جمعیتی در میان باشد و اما هرگاه کسی تنها
در مقابل یک نفر پس محل ریب اشکال نیست که در این حال
مستحب عینی خواهد بود و ظاهر این است که گفتن هر یک از این
دعاها فرض باشد بوده و مستحب است آنکه بگوید عطسه کننده
در جواب دعا کننده یکی از این دعاها یغفر الله لکم و یرحمکم الله و یهدیکم
الله و یصلح بالکم و یغفر الله لک و لنا و یغفر الله لنا و لکم و یرحمکم و بعضی از
متاخرین احتمال داده اند وجوب اصل این ردها را و بعضی
دیگر هم فرموده اند که اظهر است و بعضی اخبار هم ظاهر است در
این و لکن هم مخالف اصول و عمومات شهیر است با اعتنا

هر یک بغل جیبی انقول ما نقره و در جواب آن رد در نماز و فوکت
و مجزا است شخص در گفتن هر یک در میان جهر و اخفات و ظاهر
این است که گفتن هر یک از این جوابها مثل آنچه گذشت از دعا فوت
بوده باشد و مثل آنها است حمد کردن و صلوات فرستادن خود
عطسه کننده بعد از آنکه اینها معلوم شد بدانکه از برای عطسه فوائد
است چنانکه ظاهر میشود از اخبار در حدیث است که عطسه
کننده تا هفت روز از مردن ایمن است و در حدیث دیگر است
که عطسه کردن بیمار علامت عافیت او است و راحت بدن
است و در حدیث دیگر است که عطسه نفع میبخشد بر بدن دائماً
زیاده از سه نشود و چون زیاده از سه شود درد و بیماری است
و در حدیث دیگر است که بسیار عطسه کردن ایمنی از پنج درد اول
خوره دوم لقوه سیم نزول آب در چشم چهارم صلابت و خشونت
موهای بینی پنجم بیرون آمدن مو در چشم و اگر خواهی که کم شود
عطسه روغن مرزنگوش در بینی بچکان به قدر یک دانگ راوی
گفت که بهبود یافتم و برطرف شد و در حدیث دیگر است از پیغمبر
که عطسه تصدیق میکند معنی ذکر و مفاد آن را واقع میشود در وقت
ان سخن است [illegible] سبب اصل عطسه کردن چنانکه در حدیث وارد شده آن است که
حق تعالی را نعمتها بسیار بر بنده هست در هنگام صحت بدن و سلامتی اعضا و جوارح و بنده فرو
میگذارد شکر آن نعمتها را [illegible]
[illegible]
[illegible]

اردوم

اردو دوم در بیان افشا کردن سلام است [illegible]
از مسلمین مستحب است اینکه با او سلام کند [illegible]
[illegible]
[illegible] در حدیث است از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم که در
بهشت غرفه چند هست که از درونش بیرونش و از بیرونش درونش
نمایان است کسی از امت من در آنها ساکن میشود که زبان نیک با مردم
بگوید و طعام بدهد و افشای سلام بکند و نماز کند در شب [illegible]
[illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر است از حضرت
صادق علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] و مستحب است که [illegible] بسلام و رحمة الله و برکاته [illegible]

حدیث است که هر که بگوید بکسی السلام علیکم [illegible] از برای او ده حسنه می باشد

و هر کس بگوید سلام علیکم و رحمة الله [illegible] از برای او بیست حسنه

و هر کس بگوید سلام علیکم و رحمة الله و برکاته از برای او سی حسنه [illegible]

است [illegible] سلام [illegible] در حدیث است [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] هر چند تنها باشند [illegible] سلام [illegible] السلام علیکم [illegible]

[illegible] سلام و [illegible] معلوم شد [illegible]

[illegible] مستحبات [illegible] سلام کردن [illegible]

در بعضی از [illegible] اول یهود است [illegible]

[illegible] است [illegible] کسی است که [illegible]

[illegible]

[illegible] سلام [illegible] کسی [illegible] سلام کردن مرد است بر زن [illegible]

[illegible] سلام [illegible] جواب [illegible] در حدیث [illegible] است که حضرت

امیر المؤمنین [illegible] بر زنان [illegible] سلام میکردند [illegible] سلام کردن [illegible]

[illegible] جوان [illegible]

[illegible] سلام کردن [illegible] سلام کردن شخص [illegible]

سلام [illegible] سلام کردن شخص [illegible] شخص [illegible] سلام کردن

جماعت [illegible] سلام کردن شخص [illegible] است [illegible]

سواره [illegible] سلام کردن [illegible] سوار است بر [illegible] سلام

کردن شخص [illegible] سوار است [illegible] سلام کردن شخص

[illegible] است [illegible]

حرام است [illegible] سلام کردن [illegible]

کردن [illegible] ایشان [illegible] سلام [illegible]

است که [illegible] واجب است جواب دادن [illegible] احتیاط در اول است [illegible]

[illegible] علیکم [illegible]

[illegible] نیست [illegible]

جایز است بلکه واجب است [illegible] جواب دادن [illegible]

[illegible] حرام است [illegible]

[illegible] نیست [illegible] است [illegible] نیست [illegible]

[illegible] سلام [illegible] جواب دادن [illegible] واجب [illegible]

[illegible] سلام کردن واجب [illegible]

جواب دادن [illegible] سلام [illegible]

[illegible] سلام [illegible] جواب [illegible]

[illegible] سلام [illegible] جواب [illegible]

[illegible] نماز [illegible] سلام [illegible] جواب [illegible]

[illegible] نماز کننده [illegible] سلام [illegible] جواب [illegible] نماز [illegible]

واجب است [illegible] سلام [illegible] نماز [illegible]

[illegible] جواب [illegible] سلام [illegible]

[illegible] احتیاط [illegible]

[illegible] سلام کننده [illegible]

[illegible] واجب است [illegible]

[illegible] سلام [illegible]

[illegible] سلام [illegible] جواب [illegible]

[illegible] سلام [illegible] جواب [illegible]

[illegible] جواب [illegible] نماز [illegible]

[illegible] سلام [illegible] جواب [illegible]

[illegible]

است که جواب سلام ... [illegible]

[illegible]

تا و واجب است جواب دادن ایشان و هرگاه کسی سلام بکند بصیغه سلام علیک
یا سلام الله علیک یا السلام علیکم یا السلام علیکن یا السلام یا سلام یا سلاما
یعنی یا سلام من الحبیب یا سلام زید و قصد بکند از زید خود را پس احتیاط در جمع
جواب دادن هر یک هر یک است به هر چه بشود از صیغ گفتند هرگاه قصد قرآن
نباشد و هرگاه در نماز باشد در جواب بخواند ... سلام علیکم ... قرآن را
... تلاوت قرآن ... جواب ... باشد
[illegible]

بزبان فارسی باشد

حتی رفته اند باینکه

[illegible]

ابتدا بتحیت دیگر غیر از سلام بکنند جائز است و هرگاه ایشان ابتدا سلام بکنند احتیاط
در این است که جواب ایشان گفته شود و جواب را باید علیک گفت یا علیکم
[illegible]

ما نشنوند

بعید آنچه گذشت در جایز دارد

[illegible]

اگر احتمال ... [illegible]

جا یا یا رد ... [illegible]

[illegible]

بجز جاهد ...

عائشه از نهی را بسلام کردن و همچنین است سلام کردن بر زن جوان بیگانه [illegible]
باشند و مکروه [illegible] بوده باشد چنین و در جمع [illegible]
[illegible]

[illegible]

و اگر کسی [illegible] سهوا غلط خواند یا حرف [illegible] سهوا غلط
بخواند و پیش از رکوع [illegible] کلام است [illegible] اعاده کند [illegible]
نماز را تمام کند [illegible] واجبات [illegible]
[illegible]

هیجدهم مسئله از آنچه گذشت معلوم گردید که سجود سهو بعد از نماز است... [illegible]

چهارم مسئله از آنچه گذشت معلوم گردید که یک سجده بعد از یک یا دو رکعت بوده
باشد یا از دو رکعت هر یا از سه رکعت یا از چهار رکعت پس هرگاه معلوم شود که یک سجده از رکعت
اول سهو شده است یا دو سجده [illegible] از دو رکعت یا سه سجده [illegible] از سه رکعت یا دو [illegible]
چهار سجده [illegible] سهو شده است [illegible] از چهار رکعت [illegible] از جمیع است [illegible] است
او از چهار سجده را بعد باید [illegible] معلوم کرد که دو سجده و آن سجده که [illegible] است و [illegible] معلوم کرد که از
یک رکعت پس نماز او [illegible] است یا از دو رکعت است پس نماز او باطل صحیح است پس [illegible]
چنین شکی مبطل [illegible] است و باید نماز را از سر بگیرد چنانکه این [illegible] بعضی از موارد این
است و [illegible] دو سجده [illegible] باشد در یک رکعت هم بوده باشد و [illegible]
نگذشته باشد [illegible] بر گردد [illegible] تلافی [illegible] از سجدتین لازم نیست
که در تلافی کردن بعضی از سجدتین [illegible] و [illegible] بود دو سجده و لکن اگر فراموش شده یک سجده
باید [illegible] خلاف و اشکال است که آیا در این صورت بعد از عود قبل از دخول در سجود
لازم است که بنشیند یا نه و بعد از آن بود و سجده یا نه بعضی قائل شده اند بآنکه لازم نیست نشستن
مطمئنا در اول جلوس [illegible] اورده باشد یا نه و بعضی دیگر قائل شده اند بآنکه واجب است بر
شخص در آن صورت نشستن هم مطمئنا در اول جلوس بعمل آورده باشد لکن بقصد جلسه استراحت
باشد [illegible] باشد و بعضی دیگر قائل شده اند بآنکه اگر در اول نشسته است اگرچه بقصد جلسه استراحت
بوده باشد واجب نیست و در غیر این صورت باید که در نشستن و اگر شخص اول نه نشسته است اصلا
باید در تلافی بنشیند [illegible]
و ظاهر اینست که اگر شخص بعد از سجده اول نه نشسته [illegible] نشستن بعد از [illegible] و طمأنینه
در این حال لازم [illegible] در وقت تلافی کردن واجب است نشستن پیش از آن و اگر پائین نیست
نه نشستن و طمأنینه [illegible] بیاورد واجب است [illegible] بیاورد [illegible] یک واجب [illegible]

واجبات

[illegible] نشستن بعد از سجده و پیش [illegible]

علم بهم رساند [illegible] رسانده در رکعت اول بعد از فراغ از تسلیم

چنانکه گذشت [illegible] ارادی

در اعلام

و بعد از آن [illegible]

واجبات [illegible] در گذشته اند کسی که باقی است پس باید هر یک را بیاورد پیش از شروع در
تلافی از [illegible] ماکه شخص شک بکند در اینکه نشستن بعد از سجود را بعمل آورده
یا نه [illegible] باید بجا بیاورد [illegible] ماکه [illegible] اول را فراموش کرده باشد
و پیش از داخل شدن در رکوع رکعت بعد بخاطرش بیاید باید برگردد و آنرا تدارک کند
و مانند آن [illegible] گذشت و اگر بعد از داخل در رکوع بخاطرش بیاید باید بعد از نماز
[illegible] است [illegible] سجده سهو [illegible] واجب [illegible]
است [illegible] بخاطرش [illegible]
[illegible]
فراموش شده [illegible] بعد از سلام [illegible] بجا بیاورد [illegible]
[illegible]
سجده سهو [illegible] بعد از آن [illegible]

و اگر در این [illegible] سجود بوده باشد پس [illegible] در آن چند امر اول آنکه
کرده مسئله [illegible] بعد از [illegible] که [illegible] پیش از بلوغ بحد رکوع [illegible] را
این صورت [illegible] خالی از قوت نیست و لکن احتیاط در ترک است دوم [illegible]
که مسئله [illegible] بعد از بلوغ بحد رکوع سجود [illegible] باشد یا در اثنای آن بوده باشد
باید از فراغ از آن و در این صورت مستحب در حق او است که بعد از رفع راس از رکوع قنوت
را بعمل بیاورد و خلافی هم نیست [illegible] مگر از ابن ابی عقیل که [illegible] نموده اند از
تلافی کردن آن و رای علیه این قول ضعیف است سیم و ذکر نیست در آن صورت [illegible]
قنوت [illegible] و قنوت [illegible] و قنوت در رکعت اول از دو رکعت نماز جمعه و [illegible]
نماز های مستحبی [illegible] است که تذکر آن بعد از رفع راس از رکوع و قبل الانحنا جهت سجود بوده
باشد و در این صورت باز مستحب است که تلافی آن را بکند چهارم آنست که تذکر بعد
انحنا جهت سجود و قبل از بلوغ بحد سجده پنجم آنست که تذکر آن بشود بعد از وصول بحد
سجود یا در سجده ثانیه یا در مابین دو سجده یا بعد از رفع راس از سجده ثانیه لکن قبل از دخول
در قیام رکعت ثالثه ششم آنست که تذکر آن بشود بعد از [illegible] حال بعد از دخول در قیام ثالثه
یا بالحوال [illegible] نماز یا [illegible] باشد هفتم آنست که تذکر آن بشود بعد
از فراغ از نماز لکن پیش از [illegible] و منتقل شدن از مکان نماز هشتم آنست که تذکر آن
بعد از نماز است [illegible] بعد از انتقال از مکان نماز [illegible] نماز باقی بوده
باشد یا نه [illegible] در صورت چهارم پنجم و ششم رجحان اعاده آن [illegible] نماز ثابت نیست
و لکن [illegible] بعد از فراغ از نماز مستحب است در حق او که [illegible] در این صورت [illegible] که گذشته
است بعد از نماز و در صورت هفتم و هشتم باز مستحب در حق او است که بجا بیاورد
آنرا بعد از نماز [illegible] فاصله [illegible] دو قنوت [illegible] باشد و لکن اولی [illegible]

احتیاط در این [illegible]

گذشته [illegible] بجا بیاورد و در این [illegible] باشد بلکه مسئله است [illegible] شرایط نماز [illegible]
در این [illegible] ساخت [illegible] لازم [illegible] ثابت نیست و در هر یک [illegible]
در قضا بودن [illegible] بودن [illegible] است و لکن [illegible] نیست [illegible] ثابت میکند
و [illegible] اعتبار کردن آن [illegible] نیست [illegible]

فصل چهارم در اینکه لازم است در [illegible] که با اینکه [illegible] [illegible] ...

اگر [illegible] بشود [illegible] لازم [illegible] اما [illegible] لازم است که [illegible]

[illegible] در حالتی که مکلف با طهارت از حدث و خبث [illegible] باشد و

[illegible] باشد [illegible] باشد و لباس [illegible] مباح بوده باشد

لباس [illegible] که جایز نیست نماز کردن در آن [illegible] باشد و لازم است [illegible]

و [illegible] باید [illegible] که [illegible] جایز بوده باشد. و در حال سجود [illegible] گذشت [illegible]

[illegible] معلوم شد که لازم است [illegible] لازم [illegible]

در نماز و [illegible] اجتناب [illegible] لازم [illegible] اجتناب از آنها در اصل نماز لازم

است [illegible]

[illegible] فصل [illegible] در کیفیت [illegible]

[illegible]

مسئله نهم در احکام شک است [illegible]

[illegible]

شک [illegible] در میان [illegible] و اگر شک در رکعت اول [illegible]

[illegible]

وجب [illegible]

[illegible] و اگر شک در دو رکعت اخیر [illegible]

[illegible] اگرچه بسیار است ولکن آنچه محل [illegible]

منصور است [illegible] شک در میان دو و سه و چهار و پنج و شش ذکر می‌شود و شکوک

غالب‌الوقوع [illegible] که صور منصوره در میان این اعداد

خالی نیست یا [illegible] ثنائی است یا ثلاثی است یا رباعی است یا خماسی پس اگر [illegible]

بوده باشد پس خالی نیست از ده صورت اول شک در میان دو و سه دوم شک در

میان دو و چهار است سیم در میان دو و پنج است چهارم شک در میان دو و شش پنجم

شک در میان سه و چهار است ششم شک در میان سه و پنج است هفتم شک در

میان سه و شش است هشتم شک در میان چهار و پنج است نهم شک در میان

چهار و شش است دهم شک در میان پنج و شش است و اگر ثلاثی بوده باشد پس

صور منصوره در آن باز خالی نیست از ده صورت اول شک در میان دو و سه و چهار

دوم شک در میان دو و سه و پنج است سیم شک در میان دو و سه و شش است چهارم شک

در میان دو و چهار و پنج است پنجم شک در میان دو و چهار و شش است ششم شک در

میان دو و پنج و شش است هفتم شک در میان سه و چهار و پنج است هشتم شک در میان

سه و چهار و شش است نهم شک در میان سه و پنج و شش است دهم شک در میان [illegible]

[illegible]

[illegible] اگر شک [illegible] نماز را تمام کند [illegible]

[illegible]

پنج و شش است و اگر ربائی شک کند پس صورت پنج است اول شک در میان دو و سه و
چهار و پنج است دوم شک در میان دو و سه و چهار و شش است سوم شک در
میان دو و سه و پنج و شش است چهارم شک در میان دو و چهار و پنج و شش
است پنجم شک در میان سه و چهار و پنج و شش است و اگر خماسی شک کند پس یک صورت
است صورت از یک صورت از شک در میان دو و سه و چهار و پنج و شش

[illegible]

هذا فروع العلم

[illegible]

شیخ دوم در احکام شکیات بدانکه شکی که روی میدهد در نماز خالی نیست یا این است که در افعال نماز است یا در عدد رکعات آن است یا در فعل نماز است که کرده است اول یا انکه بوده است و
بنا بر قسم اول خالی نیست یا این است که این شک [illegible] با [illegible]
و علی التقادیر خالی نیست از این است که این شکها در نماز واجبی بوده [illegible] یا [illegible]
و بنا بر اول خالی نیست یا این است که [illegible] است [illegible] یا [illegible]
و علی التقادیر خالی نیست یا این است که بعد از تجاوز از این شک [illegible]
بایم عزیز [illegible] معلوم شود که کلام در این [illegible] است [illegible]
در بعضی چند بحث و بکی جا [illegible] بحث اول در شکی است که [illegible] افعال نماز [illegible]
[illegible]

[illegible]

بعد از داخل شدن در سجده دوم باورد که سجده دوم باور [illegible] شک بکند بعد از
سر برداشتن از آن یا در اصل سجده شک بکند بعد از شروع در تشهد یا بعد از ایستادن یا
در تشهد شک نماید بعد از ایستادن در [illegible] باید التفات نکند و باید بنا را بر وقوع
سجود بگذارد و نماز را تمام کند و نمازش صحیح است و اگر شخصی در یکی از افعال مذکوره شک
بکند پیش از انکه داخل در فعل بعد [illegible] مثل انکه شک نماید در رکوع بعد از انکه ایستاده باشد
و هنوز شروع [illegible] نکرده باشد واجب است که آن فعل مشکوک فیه را بجا بیاورد [illegible]
آن را تمام کند [illegible]

[illegible]

است که در [illegible] باز بجهت احتیاط بکند [illegible]
[illegible]

شک کند اما بعد از شک در نماز شکسته را بعمل آورد باید احتیاط [illegible]
بیاورد و چونکه احتمال هست که بدانست خصوص چنین شکی اعتنا نکند و بنا را بر جهت بگذارد
پس احتیاط باز در این است که بعد از تمام کردن دو مرتبه اعاده [illegible]
دوم در شکی است که تعلق میگیرد بعدد رکعات نماز واجب و کلام در این بحث تمام میشود در
ضمن چند فصل فصل اول در اقسام آن است با احکام وارده در آنها بدانکه مصلی هرگاه شک
بکند در عدد رکعات نماز واجب در بین نماز بوده باشد خالی نیست یا در عدد رکعات نماز
دو رکعتی است یا سه رکعتی یا چهار رکعتی پس اگر شک در عدد دو رکعتی بوده باشد یا در
دو رکعت اولین از چهار رکعتی بتفصیلی که گذشت در مبطلات نماز یا در تمام رکعات نماز بوده
باشد بانیکه نداند هیچ وجه که چند رکعت کرده است یا بوده باشد شک او درمیان شش و زیاده
میباشد جمیع این شکوک باعث بطلان نماز چنانکه گذشت اشاره بهر یک در بیان مبطلات نماز
ملازم است که نماز را از سر بگیرد و اگر شک در دو رکعت آخر [illegible] بوده باشد پس صور [illegible]
[illegible]

است سیم شک درمیان دو و سه و شش است چهارم شک درمیان دو و چهار و پنج است
پنجم درمیان دو و چهار و شش است ششم شک درمیان دو و پنج و شش است
هفتم شک درمیان سه و چهار و پنج است هشتم شک درمیان سه و چهار و شش است
نهم شک درمیان سه و پنج و شش است دهم شک درمیان چهار و پنج و شش است اگر
رباعی بوده باشد پس صور رباعی پنج است اول شک درمیان دو و سه و چهار و پنج است
دوم شک درمیان دو و سه و چهار و شش است سیم شک درمیان دو و سه و پنج و شش
است چهارم شک درمیان دو و چهار و پنج و شش است پنجم شک درمیان سه و چهار و پنج
و شش است و اگر خماسی بوده باشد پس [illegible] صورت آن یک صورت است شک درمیان دو
و سه و چهار و پنج و شش [illegible]
[illegible]

[illegible]

واگر شک در حال رکوع باشد [illegible] سجده دوم [illegible] در حال هوی [illegible] باشد [illegible]

[illegible] در حال رکوع باشد یا بعد از رفع راس یا در سجده اول بوده باشد یا بعد از رفع راس از آن

هرکدام که بوده باشد باز مبطل نماز است [illegible] اگر این شک در اثنای سجده دوم [illegible]

پیش از اکمال ذکر واجب یا در اثنای سجده دوم بوده باشد بعد از تمام ذکر واجب [illegible] مشهور [illegible] واگر

بعد از رفع راس از سجده دوم بوده باشد احتیاط در این است که بنا را بر دو بگذارد و تمام بکند نماز را و دو سجده سهو

هم بعد از نماز بجا بیاورد احتیاطا و بعد از آن نماز را هم اعاده بکند چهارم شک در میان دو و پنج است [illegible]

اگر در حال قیام است پس در هر حالی از احوال [illegible] بوده باشد [illegible] باطل است [illegible]

واگر در حال رکوع بوده باشد یا در اثنای سجده دوم پیش از اکمال ذکر واجب یا در اثنای سجده دوم بعد از اکمال ذکر واجب باز مبطل نماز است بنا بر اقوی و مشهور در میان علما [illegible] احتیاط بشود [illegible] و نماز را تمام بکند و بعد از آن نماز را اعاده بکند [illegible] واگر بعد از رفع راس از سجده دوم بوده باشد باز احتیاط در این است که بنا را بر دو [illegible] و نماز را تمام بکند و دو سجده سهو هم بجا بیاورد احتیاطا و نماز را هم اعاده بکند بقصد قربت پنجم شک در میان سه و چهار است و این شک در هر حالی از احوال [illegible] مبطل نماز نیست [illegible]

[illegible]

ششم شک در میان سه و پنج است [illegible] و این شک در هر حالی از احوال که گذشته [illegible] مبطل نماز نیست و صحیح است [illegible]

[illegible]

این صورت قیام را منهدم سازد و بنشیند و شک او در این حال شک در میان دو و چهار [illegible]

[illegible] آن حالی است که گذشته که بایستد دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد واگر در حال [illegible]

[illegible] احتیاط در این است که بنا را بر [illegible] بگذارد و تمام بکند نماز را و بعد از آن [illegible]

[illegible] احتیاطا و احوط اعاده این است [illegible]

اعاده بکند [illegible] باطل میدانند هفتم شک در میان سه و شش است و این شک در هر حالی از احوال که گذشته نماز [illegible] احتیاط در این است که بنا را بر سه بگذارد و نماز را تمام بکند و دو سجده سهو احتیاطا بجا بیاورد و نماز را هم بعد از آن اعاده بکند قربة الی الله [illegible] مشهور [illegible]

[illegible] هشتم شک در میان چهار و پنج است و این شک اگر در حال قیام بوده باشد در هر حالی [illegible] شک مبطل نماز است [illegible]

[illegible] که نماز را تمام کند و بعضی دیگر قایل شده اند با آنکه صحیح است [illegible] بنا بر چهار [illegible]

و بنشیند و تشهد بخواند و سلام بگوید و بعد از آن دو رکعت نماز احتیاط نشسته بجا بیاورد [illegible]

[illegible] شک میان سه و چهار و بعد از آن دو سجده سهو هم بجا بیاورد [illegible] قیام [illegible]

[illegible] این شک در میان چهار و پنج است [illegible]

[illegible] احتیاط [illegible] اجماع کرده اند [illegible]

[illegible]

[illegible] واگر این شک بعد از رفع راس از سجده دوم بوده باشد [illegible]

[illegible] نماز صحیح است [illegible]

چهار بگذارد و نماز را تمام بکند [illegible] اخبار [illegible] صحیح [illegible]

[illegible] است که بنا را بر چهار بگذارد و تشهد بخواند و سلام بگوید و بعد از آن دو

سجده سهو هم بجا بیاورد چنانکه گذشت [illegible] اعاده [illegible]

[illegible] شک در میان [illegible] اگر [illegible]

[illegible] نماز [illegible] است که سهل است که بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند [illegible]

[illegible] بعد [illegible] نماز [illegible] و بعد از آن [illegible] سه و چهار است [illegible] شک [illegible]

[illegible] واگر این شک در حال [illegible] مبطل [illegible] است [illegible] احتیاط [illegible]

[illegible] که [illegible] احتیاط [illegible] در این است [illegible]

[illegible] در میان سه و چهار است [illegible] معلوم [illegible]

کردن بنا را بر چهار گذاشتن سهل است [illegible] احتیاط [illegible] این است که ذکر شد و احوط این

است که [illegible] در سجده سهو هم بعد از تمام کردن و احوط از همه این است که بعد از فراغ [illegible]

اعاده نماید نماز را [illegible] احتیاط را بکند نهم شک در میان چهار و شش است و این شک در هر حالی

از احوال که گذشته بوده باشد احتیاط در این است که بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام بکند بعد

از آن دو سجده هم بجا بیاورد احتیاطا و بعد از آن نماز را هم اعاده بکند بقصد قربت دهم شک در میان

پنج و شش است و این شک اگر در حال قیام باشد [illegible] و باید قیام را منهدم سازد و نماز را تمام بکند

[illegible] و دو سجده سهو هم بجا بیاورد [illegible] شک میان چهار و پنج [illegible] دو سجده سهو

بجا بیاورد احتیاطا [illegible] نماز را هم احتیاطا اعاده بکند و در سایر احوال [illegible] این شک

مبطل نماز است [illegible]

[illegible] یازدهم شک در میان دو و سه و چهار

است و این شک در هر حالی از احوال [illegible] بعد از رفع راس از سجده دوم [illegible]

[illegible]

[illegible] مبطل نماز است [illegible] در هر حال [illegible] مشهور [illegible]

[illegible] از سجده دوم مبطل نیست و نماز صحیح است و باید بنا را بر چهار بگذارد و این [illegible]

[illegible] مبطل [illegible]

[illegible] است که بنا را بر چهار باشد [illegible] و بعد از تمام کردن نماز باید دو رکعت نماز

احتیاط ایستاده بجا آورد و سلام بگوید و بعد از آن دو رکعت نماز احتیاط نشسته بجا بیاورد [illegible]

بعضی از قدما [illegible] بجای دو رکعت ایستاده یک رکعت ایستاده اکتفا کرده اند و این [illegible]

[illegible] صحیح [illegible] اختیار کردن اول اولی است [illegible]

باید [illegible] بگذارد و نماز را تمام بکند و دو سجده سهو هم احتیاطا بجا بیاورد [illegible] معلوم [illegible]

[illegible] دوازدهم شک در میان [illegible]

[illegible] و پنج است و این شک اگر در حال قیام بوده باشد مبطل [illegible] مشهور [illegible]

[illegible] از احوال است [illegible] قیام بوده باشد [illegible]

[illegible] احتیاط [illegible] قیام را منهدم سازد و بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام بکند و بعد از آن دو

رکعت نماز احتیاط [illegible] بجا بیاورد و بعد از آن نماز را اعاده بکند [illegible] واگر در

حال رکوع یا در سجده اولی یا در سجده دوم پیش از رفع راس از آن بوده باشد باز مبطل نماز است [illegible]

[illegible] احتیاط [illegible]

[illegible] واگر در بعد از رفع راس از سجده دوم بوده باشد احتیاط در این است

که بنا را بگذارد بر سه [illegible] نماز را تمام بکند و بعد از آن یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته [illegible]

احتیاطا و دو سجده سهو هم بعد از آن بجا بیاورد احتیاطا و بعد از آن نماز را هم اعاده بکند بقصد قربت

سیزدهم شک در میان دو و سه و شش است و این شک در هر حالی از احوال که گذشته باشد [illegible]

بعد از رفع راس از سجده [illegible] مبطل نماز است [illegible] احتیاط [illegible]

و نماز را تمام بکند و بعد از آن نماز را اعاده بکند موافق تقوی خواهد بود و اگر بعد از رفع راس از سجده
دویم بوده باشد احتیاط در این است که بنا را بر سه بگذارد و تمام بکند نماز را و بعد از آن [illegible]
[illegible] یک رکعت احتیاط ایستاده بقصد قربت بعمل بیاورد و بعد از آن دو سجده سهو هم بعمل بیاورد
بقصد قربت چونکه [illegible] چهارم شک در میان دو و چهار و پنج است و این شک اگر در حال قیام
بوده باشد در هر حالی از احوال آن بوده باشد مبطل نماز است اما اینکه گفتیم راجع است شک در
میان یک و سه و چهار و گذشت که هرگاه یک طرف از میان اطراف شک باطل است و اگر در سایر حال
دیگر بوده باشد که آن حال رکوع و سجود اول و سجود دویم است پیش از رفع راس از آن پس باز
مبطل نماز است بنا بر اشهر و اقوی و اگر بعد از رفع راس از سجده دویم بوده باشد صحیح است
و مبطل نماز نیست و باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از آن دو رکعت ایستاده
بعمل بیاورد و بعد از آن دو سجده سهو هم بعمل بیاورد احتیاطا و بعد از آن هم نماز را اعاده بکند چونکه
بعضی از [illegible] این شک را از مبطل نماز شمرده اند یازدهم شک در میان دو و چهار و شش
است و این شک در حال قیام و در حال رکوع و در حال سجده اول و دویم پیش از رفع راس از
آن مبطل نماز است چنانچه گذشت و اگر بعد از رفع راس از سجده دویم احتیاط در این است
که بنا را بر چهار بگذارد چونکه اصل عدم زیادتی رکعت ششم است و نماز را تمام بکند و بعد از آن
دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا بیاورد و بعد از آن هم دو سجده سهو بعمل بیاورد چونکه [illegible]
که احتمال هست در بین و بعد از آن باز نماز را اعاده بکند بقصد قربت چونکه بعضی این را مبطل نماز شمرده اند
دوازدهم شک در میان دو و پنج و شش است و این شک در هر حالی از احوال که گذشت نماز گذار بوده باشد
[illegible] بعد از رفع راس از سجده دویم [illegible] احتیاط در این است که بنا را بر [illegible] بگذارد و نماز را
تمام کند و بعد از آن دو سجده سهو بجا بیاورد و بعد از آن نماز را اعاده بکند بقصد قربت سیزدهم شک در
میان سه و چهار و پنج است و این شک [illegible]

[illegible] احتیاط [illegible]

[illegible] نماز را تمام بکند و [illegible]
احتیاط [illegible] دو رکعت نشسته [illegible] دو سجده سهو [illegible]
[illegible] بنا را بر چهار بگذارد [illegible]
[illegible] بجا بیاورد و در دو سجده سهو [illegible] بجا بیاورد [illegible]
[illegible] بقصد قربت احتیاط [illegible] شک در میان [illegible]
[illegible] و این شک در هر حالی از احوال [illegible]
[illegible] باید بنا را بگذارد [illegible] بر چهار و نماز را تمام بکند و بعد از آن
دو رکعت نشسته [illegible] بعمل بیاورد و دو سجده سهو [illegible]
[illegible] نماز احتیاط و بعد از آن نماز را اعاده بکند [illegible] شک در میان [illegible]
[illegible] سهو بعمل بیاورد و در باقی احوال [illegible]
[illegible]
[illegible] شک در میان [illegible] و شش است و این شک [illegible]
[illegible] مبطل نماز است [illegible]
[illegible] احتیاط بجا بیاورد و دو سجده سهو بعمل بیاورد و بعد از آن نماز را
[illegible] اعاده بکند [illegible]
[illegible] اعاده بکند بقصد قربت و در حالت [illegible]
از سجده دویم بوده باشد بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام بکند و دو سجده سهو بقصد قربت
[illegible] هم بعمل بیاورد و بعد از آن نماز را احتیاطا اعاده بکند [illegible] شک در میان دو و سه و چهار و پنج

و این شک در هر حالی بوده باشد مبطل نماز است [illegible] بعد از رفع راس از سجده دویم که در این
صورت [illegible] بنا را بر چهار بگذارد [illegible] احتیاط [illegible] دو رکعت [illegible]
احتیاط ایستاده [illegible] و دو سجده سهو
[illegible] بعمل بیاورد [illegible] شک در میان دو و سه و چهار و شش است و این شک [illegible]
جمیع حالات مبطل نماز است [illegible] از رکوع سجده دویم که در این صورت [illegible]
[illegible] بنا را بر چهار بگذارد [illegible] دو رکعت ایستاده و بعد از آن دو رکعت نشسته [illegible]
[illegible] و بعد از آن دو سجده سهو بعمل بیاورد و بعد از آن نماز را اعاده بکند بقصد قربت
[illegible] شک در میان دو و سه و پنج و شش است و این شک هم در جمیع صور [illegible]
بعد از رفع راس از سجده دویم مبطل نماز است و در همه صورت [illegible]
[illegible] و در این صورت باید بنا را بر سه بگذارد و تمام بکند نماز را و بعد از آن یک رکعت ایستاده
یا دو رکعت نشسته [illegible] بعمل بیاورد و بعد از آن دو سجده سهو بجا بیاورد و نماز را تمام
بقصد قربت اعاده بکند [illegible] شک در میان دو و چهار و پنج و شش است و این
[illegible] صور گذشته است در جمیع احوال مبطل است مگر بعد از رفع راس از سجده دویم
[illegible] باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام بکند و دو رکعت احتیاط ایستاده
[illegible] بجا بیاورد و بعد از آن در سجده سهو بقصد احتیاط بعمل بیاورد و بعد از آن هم نماز را اعاده
بکند بقصد قربت [illegible] شک در میان سه و چهار و پنج و شش است و این شک در هر
حالی بوده باشد مبطل نماز نیست [illegible] مگر در حال [illegible]
[illegible] باید بنا را [illegible] و نماز را [illegible] بعد از آن دو رکعت [illegible]
دو رکعت نشسته بجا بیاورد بقصد قربت [illegible] و دو سجده سهو بعمل بیاورد و بعد از آن نماز را
اعاده بکند بقصد قربت [illegible] بنا را بر چهار بگذارد و تمام بکند نماز را [illegible]

دو رکعت نماز احتیاط نشسته بعد از آن بجا بیاورد بقصد قربت و بعد از آن دو سجده سهو هم بعمل
بیاورد و بعد از آن نماز را هم بقصد قربت اعاده بکند و در حالت اخیره [illegible] شک در
میان دو و سه و چهار و پنج و شش است و این شک در هر حالی بوده باشد مبطل نماز است
مگر بعد از رفع راس از سجده دویم که در این صورت نماز صحیح است و باید بنا را بر چهار بگذارد
و نماز را تمام بکند و بعد از آن دو رکعت ایستاده و [illegible] دو رکعت نشسته بجا بیاورد و
بعد از آن دو سجده سهو هم بعمل بیاورد و بعد از آن نماز را هم اعاده بکند بقصد قربت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بدانکه این نمازهای احتیاط مثل سایر نمازهای واجب است که هر چه در آنها معتبر بود [illegible] معتبر باشد
[illegible] کیفیت [illegible] که اول نیت بکند [illegible]
[illegible] احتیاط [illegible] الی الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بعمل بیاورد [illegible]
[illegible] بعمل بیاورد و بعد از آن [illegible]
[illegible] دو رکعت [illegible]
[illegible] نماز را تمام بکند [illegible] دو رکعت نشسته بجا بیاورد [illegible]
بعمل بیاورد [illegible]

واگر کسی شک بکند که کمتر از [illegible] شده است یا نشده است [illegible] بگذارد و اگر شک بکند

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

باب ... شک ... بعد از نماز ... احتیاط بکند چنانکه گذشت و بعضی ... [illegible]

... [illegible] ...

مثل آنکه یکی شک کند یکی در میان دو و سه است و شک دیگری در میان سه و چهار است ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

نا سبب عمل آنکه [illegible] باطل است [illegible] شهید اول [illegible]
که واجب [illegible] و این محل اشکال است چرا که اگر چنین [illegible]
شکی از شکوک [illegible] بکند [illegible]
[illegible]
[illegible] دالی ... در صورت ظاهر
الکلام [illegible] و ابن [illegible] با تمام حال ... پس حق
اینست [illegible] واجب [illegible] است که [illegible] باقی است [illegible]
این شکوک [illegible] باطل باید [illegible]
[illegible] حصول [illegible]
[illegible] شکوک [illegible]
[illegible] در احکام [illegible]
است [illegible] هر کس [illegible] شک بکند [illegible]
[illegible] مقتضای آن شک بکند [illegible]
را که باید [illegible] باشد [illegible]
توجه مقتضای صحت [illegible]
شک بکند [illegible] شک [illegible]
[illegible] شک میان چهار و پنج کند [illegible]
[illegible]

امام یقین داشته باشند و ماموم شک [illegible] باید در اینجا رجوع بکند ماموم با امام موافق
هم متفق بوده باشند در شک یا مختلف بوده چنانکه گذشت [illegible] که یقین نداشته
باشند خلاف [illegible] امام [illegible] باشد پس هرگاه [illegible] ماموم یقین بر خلاف داشته
[illegible] باشند [illegible] پس باید در این صورت عمل کنند [illegible]
[illegible] رجوع کرده با امام در این حال واگر ماموم یقین داشته باشند و امام شک
ماموم هم متفق بوده باشند در یقین پس [illegible] که باید در این صورت امام
رجوع کند به ماموم ولکن در این صورت [illegible] که امام هم یقین بر خلاف ماموم
نداشته باشد [illegible] داشته باشد [illegible] باید [illegible] رجوع نکنند [illegible]
یقین داشته باشد و ماموم هم یقین داشته باشد [illegible] باید [illegible]
امام و ماموم رجوع کند [illegible] واگر امام شک داشته باشد و ماموم یقین [illegible]
[illegible] بوده باشد پس [illegible] اینست که امام در این صورت
رجوع بکند [illegible] باشد [illegible]
چرا که شرط است در رجوع کردن امام با ماموم [illegible] متفق بوده باشند در یقین [illegible]
[illegible] در این صورت [illegible]
در یقین مختلف میباشند [illegible] امام ظن هم نرسد [illegible]
از یقین [illegible] ماموم [illegible] پس در این صورت
امام رجوع میکند [illegible] از ماموم [illegible] عمل میکند [illegible]
[illegible] ماموم که موافق [illegible] واحتیاط [illegible]
نماز را اعاده بکند هم امام و هم ماموم [illegible] واگر ماموم یقین [illegible]
باشند [illegible] امام ظن داشته باشد [illegible] یقین ماموم [illegible]

[illegible] در صورت [illegible] امام رجوع بکند با ماموم [illegible]
[illegible] باید [illegible] نماز را اعاده بکند [illegible] واگر ماموم [illegible]
[illegible] یقین داشته باشند [illegible] مختلف هم بوده باشند و امام [illegible]
[illegible] باشد [illegible] ماموم [illegible] مشهور [illegible]
امام باید [illegible] رجوع با ماموم نکند [illegible] احتیاط در این است که در این
صورت [illegible] عمل کند [illegible] و بعد نماز را اعاده بکند
واگر ماموم [illegible] داشته باشند [illegible] امام ظن داشته باشد [illegible]
[illegible] ماموم بوده باشد [illegible]
امام در این صورت عمل میکند [illegible] ماموم [illegible]
[illegible] عمل میکند [illegible] یقین خود [illegible]
نماز را اعاده میکنند [illegible] واگر امام یقین داشته باشد [illegible] ماموم
[illegible] باشد [illegible] متفق بوده باشند در این اعتقاد
[illegible] مشهور [illegible] ماموم رجوع کنند [illegible] امام [illegible]
[illegible] نماز را اعاده کنند واگر امام [illegible]
[illegible] داشته باشند [illegible] ماموم [illegible] مشهور [illegible]
[illegible] احتیاط در این است [illegible]
بکنند [illegible] نماز را اعاده بکنند واگر [illegible] امام [illegible] داشته باشند
[illegible] ماموم [illegible] امام [illegible]
اینست [illegible] اگر امام یقین [illegible] داشته باشد و بعض از ماموم هم یقین داشته
باشند ولکن یقین ایشان مخالف یقین امام باشد و بعض از ماموم شک داشته باشند
[illegible]

[illegible] صورت [illegible] از ماموم [illegible] باید رجوع کنند [illegible] امام
[illegible] ماموم باید عمل کنند [illegible] مقتضای یقین ایشان است [illegible] اگر امام شک داشته باشد
و بعض ماموم یقین [illegible] مختلف بوده باشند [illegible] متفق بوده
باشند پس در این صورت امام رجوع میکند [illegible] ماموم یقین [illegible] رجوع میکند
شک [illegible] ماموم با امام [illegible] باطل است [illegible] این باب
[illegible] ماموم [illegible] امام [illegible] امام رجوع
[illegible] ماموم هم [illegible] امام [illegible] در این حال [illegible] احتیاط
اینست [illegible] نماز را اعاده [illegible] پس معلوم شد
[illegible] که امام یا ماموم شک داشته باشند [illegible]
شک [illegible] حفظ بوده باشد [illegible]
ظن بوده باشد [illegible] ظن [illegible] باشد [illegible]
[illegible] امام [illegible] حفظ [illegible] امام
و ماموم [illegible] حال [illegible]
[illegible] امام [illegible]
رجوع کند با ماموم [illegible] بوده باشد [illegible]
[illegible] بوده باشد [illegible] متفق بوده باشند در اعتقاد [illegible]
[illegible] ماموم [illegible] ظن بکنند [illegible] ماموم پس
رجوع [illegible] ظن [illegible] بکند [illegible]
صحت است [illegible] ظن نکند پس [illegible] در این صورت [illegible]
[illegible] مکلف [illegible]

از شیطان است پس [illegible] ... [illegible]

[illegible]

... اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم ... [illegible]

... من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم ... [illegible]

[illegible]

... علی خاتم الانبیاء ... [illegible] ... صلوات الله وسلامه علیهم ما دامت السموات ... [illegible]

[illegible]

و واجب است ... قضا کردن نمازهای خسوف و کسوف را هرگاه ترک نموده باشد در حالیکه تمام قرص ... [illegible]

... ماه گرفته شده باشد ... [illegible]

[illegible]

... ازان خسوف و کسوف ... [illegible]

... قضا ... [illegible] ... واجب ... [illegible]

در آن دو قول است قول بعدم وجوب ترتیب [illegible] مطلقا [illegible] و [illegible]

و شهید اول و شهید ثانی و [illegible] بوجوب ترتیب [illegible]

در ارشاد و [illegible] و قول بوجوب ترتیب در صورتیکه مظنون [illegible] باشد [illegible]

اول است [illegible] و قول بوجوب ترتیب است در صورتیکه [illegible] شهید [illegible]

باشد واجب است [illegible] در [illegible] در میان این اقوال قول اول است [illegible] در صورت [illegible]

[illegible] و دلیل [illegible] بر [illegible] در [illegible]

[illegible] در این مسأله [illegible] قضا [illegible]

و اگر [illegible] بترتیب داشته باشد [illegible] مخالفت کرده باشد [illegible] سهو [illegible]

نیست در این [illegible] و [illegible] خلاف است در میان علمای اعلام [illegible] تعالی [illegible]

[illegible] در اینکه لازم است تقدیم نماز قضا [illegible]

نیست و جایز است که [illegible] مقدم داشته شود [illegible] قضا [illegible] در مقام این است که

در صورتیکه وقت تنگ شده باشد [illegible] است که نماز ادا مقدم داشته شود بر نماز قضا [illegible]

[illegible] در صورتیکه جایز است [illegible] قضا را مقدم داشتن [illegible]

[illegible] و [illegible] در [illegible] وقت [illegible]

[illegible] ابن الجنید [illegible] باشد [illegible] ابن ابی عقیل [illegible]

[illegible] شیخ مفید و شیخ طوسی و [illegible] ابی الصلاح حلبی تقی بن [illegible]

[illegible] علی و ابن ادریس [illegible] عزالدین [illegible]

[illegible] است در [illegible]

این نماز حاضر سهل است [illegible]

[illegible] حکم کرده اند [illegible] نماز قضا [illegible]

[illegible] که اگر [illegible] سهل است که [illegible]

[illegible] و [illegible] اگر [illegible] باشد [illegible] نیست [illegible]

با [illegible] اجماع است [illegible] باشد [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] نیست [illegible] سهل است [illegible] اسلام است

[illegible] و [illegible] نماز قضا اگر [illegible] واجب که [illegible] مقدم [illegible]

اگر [illegible] مستحب است تقدیم [illegible]

در [illegible] و بعضی [illegible] اند [illegible] نماز قضا [illegible]

[illegible] مستحب است تقدیم [illegible] باشد [illegible]

علامه رحمه الله [illegible] است [illegible] و بعضی [illegible]

باینکه واجب است مقدم داشتن نماز قضا [illegible] در [illegible] فوت شده

[illegible] باشد [illegible] نماز [illegible] باشد [illegible]

[illegible] جمهور [illegible] مجتهدین [illegible]

[illegible] مقدم داشتن نماز ادا [illegible] اول وقت [illegible] قضا [illegible]

[illegible] باشد [illegible] در [illegible] فوت شده است [illegible]

و ابن [illegible] در [illegible] است [illegible] اصول [illegible]

[illegible] است در [illegible] سهل است

[illegible] نمازهای [illegible] است سهل است که [illegible]

[illegible] که دلالت دارد باینکه [illegible] اول نماز ادا و اگر [illegible] نماز قضا را

بعضی از نماز قضا [illegible] که در [illegible] اند [illegible] و [illegible]

[illegible] نماز [illegible] اظهر آنست که [illegible]

[illegible] نمازهای یومیه [illegible] نماز [illegible]

اگر [illegible] شده باشد [illegible] نیست [illegible]

[illegible] لازم است [illegible] نماز [illegible] و [illegible]

[illegible] ثابت شده [illegible] که [illegible] نماز [illegible]

[illegible] مشهور است [illegible] نماز [illegible]

چهار رکعتی [illegible] ظهر [illegible] عصر [illegible]

که اگر ظهر بوده است [illegible] بوده باشد و اگر عصر بوده است [illegible] باشد

[illegible] بوده است [illegible] بوده باشد و بعضی دیگر از فقها [illegible] رفته اند باینکه واجب

است [illegible] نماز [illegible] و این قول اگرچه مقتضای [illegible] است

[illegible] حق است [illegible] است [illegible] و [illegible]

است [illegible] و [illegible] در مقام [illegible] است [illegible]

و [illegible] در [illegible] معین است [illegible] اظهر [illegible]

است [illegible] بمشهور [illegible] نماز چهار رکعتی [illegible]

[illegible] نماز [illegible] فوت شود [illegible] مشهور [illegible] است که دو نماز [illegible] رکعتی [illegible]

[illegible] رکعتی که [illegible] چهار [illegible] نماز [illegible] باشد [illegible] نماز [illegible] رکعتی دیگر [illegible]

[illegible] در [illegible] جایز بوده [illegible] تقدیم [illegible] است [illegible] جایز نیست [illegible]

که اگر [illegible] تقدیم [illegible] صحیح [illegible]

اجازه نیست [illegible]

[illegible] و [illegible] مقتضی [illegible]

[illegible] است که [illegible] مقتضی [illegible]

[illegible] است [illegible] که [illegible] و [illegible] است از این شخص [illegible]

این است که [illegible] باطل بوده باشد [illegible] که [illegible] شده است سهل است [illegible]

[illegible] که [illegible] قضا [illegible] است و نماز باطل است در این صورت مطلقا [illegible]

[illegible] و [illegible] مقدم داشتن [illegible]

مقدم داشتن [illegible] صحیح است در این صورت سهل است

که علامه رحمه الله در مختلف [illegible] نور الله تعالی [illegible] ادعای اجماع کرده اند

[illegible] معلوم شد که مطلقا [illegible]

واضح است [illegible] است [illegible]

[illegible] معلوم شد که [illegible] نیست [illegible] معلوم [illegible]

[illegible] واجب نیست ترتیب در میان نمازهای فوت شده از نمازهای یومیه [illegible]

[illegible] نمازهای [illegible] ترتیب در میان [illegible]

[illegible] نمازهای فوت شده [illegible] نمازهای [illegible]

[illegible] بعضی [illegible] نیست

و اگر کسی در اول وقت مسافر باشد و بعد از وقت حاضر یا در اول وقت حاضر باشد و در آخر
وقت مسافر و نماز او فوت شود آیا اعتبار بحال فوت است یا حال وجوب پس چنانچه
نماز اول [illegible] در اول نماز ها را تمام [illegible] کند و در آخر [illegible] مقصر [illegible]
[illegible] اعتبار بحال وجوب است [illegible] پس [illegible] در اول
نماز [illegible] کند و در ثانی [illegible] تمام [illegible] احتیاط در اینست که جمع شود در میان قصر و اتمام [illegible]
قول اول [illegible] در اینجا [illegible] است و تمام [illegible]
[illegible] کیفیت [illegible] است [illegible] حال فوت [illegible]
در [illegible] قضا [illegible] است [illegible]
و اگر [illegible] است [illegible] اگر [illegible]
[illegible] در یک [illegible] حال [illegible] صحیح

[illegible]

و اگر شخص [illegible] روز [illegible] آن روز [illegible]
[illegible] که شخص [illegible] است [illegible] میان قصر و اتمام و لکن احوط جمع کردن در میان قصر و اتمام [illegible]
است و احوط [illegible] نماز [illegible] است [illegible] تمام [illegible] مسافت [illegible]
شهری که [illegible] کوچک باشد یا معتدل [illegible] باشد [illegible] از [illegible]
از [illegible] که [illegible] شهر [illegible] باشد [illegible] اصفهان [illegible]
مسافت [illegible] است [illegible]
و لکن اولی و احوط [illegible] است که [illegible] شود و بعضی گفته اند که اولی [illegible]
اول [illegible] است [illegible] مسافت [illegible]
اول که [illegible] روز [illegible]
[illegible]
[illegible] هشت فرسخ را [illegible]
[illegible] است که [illegible] تمام [illegible]
پس [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible] هشت فرسخ [illegible]
مسافت [illegible] مسافت
[illegible]
[illegible]

[illegible] هشت فرسخ [illegible] است [illegible]
در [illegible] روز معتدل [illegible] معتدل [illegible]
[illegible] هشت فرسخ [illegible]
[illegible] روز [illegible] روز متوسط [illegible]
پس [illegible] است [illegible] نماز [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]





در حدیث مناجات موسی کریم ورد فقال یا رب لِمَ فضلت امة محمد علی سائر الامم فقال الله تعالی فضلتهم لعشر خصال
قال موسی وما تلک الخصال التی یعملونها حتی آمر بنی اسرائیل یعملونها قال الله تعالی الصلوة والزکوة والصوم
والحج والجهاد والجمعة والجماعة والقرآن والعلم وعاشورا قال موسی یا رب وما العاشورا قال البکاء
والتباکی علی سبط محمد والمرثیة والعزاء علی مصیبة ولد المصطفی یا موسی ما من عبد من عبیدی فی ذلک
الزمان بکی او تباکی وتعزی علی ولد المصطفی الا وکانت له الجنة ثابتا فیها وما من احد انفق من ماله
فی محبة ابن بنت نبیه طعاما وغیر ذلک درهما او دینارا الا وبارکت له فی دار الدنیا الدرهم بسبعین درهما
وکان معافا فی الجنة وغفرت له ذنوبه وعزتی وجلالی ما من رجل او امرأة سال دمع عینیه فی یوم عاشورا
او غیره قطرة واحدة الا وکتبت له اجر مائة الف شهید

نصیحت منقول است که لقمان پسر خود را نصیحت میکرد و میگفت
ای پسر چهار هزار پیغمبر را خدمت کردم و اختیار نمودم از کلام
ایشان پنج کلمه اول هرگاه در نماز باشی دل خود را نگاه دار
دویم هرگاه در میان خلق باشی زبان خود را نگاه دار سیم
هرگاه در خانه غیری باشی چشم خود را نگاه دار چهارم هرگاه
بر سر سفره باشی شکم خود را نگاه دار پنجم دو چیز
را فراموش مکن یکی مرگ و دیگری خدا
گفته‌اند که نام انسان
از چهار کس بیچاره‌تر اختیار کرده‌ام
هر که تا به سر شد
...
شود نجات یافت

۱۳۹